



در محضر آفتاب

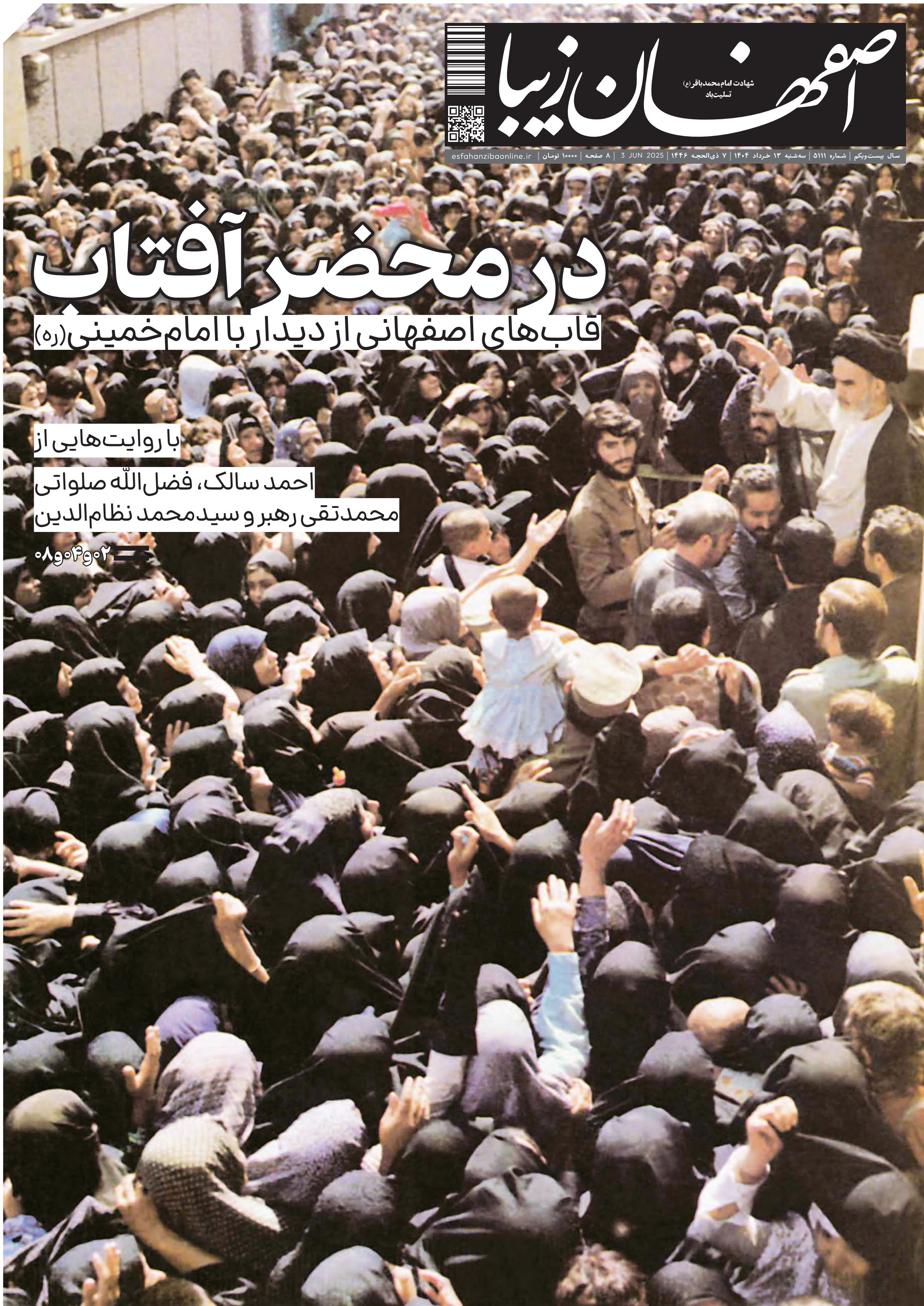
قاب‌های اصفهانی از دیدار با امام خمینی (ره)

با روایت‌هایی از

احمد سالک، فضل‌الله صلواتی

محمد تقی رهبر و سید محمد نظام‌الدین

۰۸ و ۰۲ و ۰۸





صفهان زیبا

شماره ۵۱۱

۱۳ / ۰۳ / ۱۴۰۴

سه‌شنبه

ویرستار و دبیر صفحه / جواد جلوانی



جواد جلوانی

دبیر گروه تاریخ شفاهی

در آغاز محرم ۱۳۴۲ شمسی (مصادف با ماه خرداد) قم به صورت پایگاه ضد رژیم درآمده و با مخالفت با لوابح فشقانه انقلاب سفید شاه، شورش خاصی در آن برپا بود. در ایام عزاداری سرور شهیدان، نام حضرت امام خمینی (ره) و نظرات ایشان ورد زبان محافل و هیئت‌های مذهبی بود. حکومت پهلوی که می‌دانست روحانیون مخالف در این ایام به خوبی از فرصت استفاده می‌کنند، وحشت‌زده درصدد جلوگیری از تبلیغات ضد رژیم برآمد و به وعاظ دستور داد که در ایام عزاداری از طرح مباحث سیاسی به ویژه مسائل روز خودداری ورزند؛ اما حضرت امام (ره) با علمای قم مذاکره کرد و از آنان خواست تا هرچه بیشتر عاشورا را به نقطه اوج نهضت رسانند و پیشنهاد کرد روحانیون روز عاشورا به مدرسه فیضیه بروند و برای مردم سخنرانی کنند. رژیم که از شوروهیجان و ازدحام مردم در مدرسه فیضیه وحشت داشت، سعی کرد با

در اصفهان چه گذشت؟

با اعلام خبر سخنرانی امام در روز عاشورا در قم، عده‌ای از شیفتگان ایشان، برای شنیدن سخنرانی به قم شتافتند. دکتر فضل‌الله صلواتی از شرکت اصفهانی‌ها در این سخنرانی یاد می‌کند:

«ما قبلا خبر شده بودیم که حضرت امام سخنرانی خواهند داشت؛ البته در آن زمان، به ایشان حاج آقا روح‌الله می‌گفتند و با می‌گفتند: آقای خمینی قرار است صحبت کند. به هر حال، ما اتوبوس‌های زیادی از اصفهان برای قم، راه انداختیم. با دوستان قرار گذاشتیم که از بلندکوها، سدا را ضبط کنیم؛ چون فکر می‌کردیم اگر در داخل مسجد این کار را انجام بدهیم، هنگام بیرون آمدن، نوارها را از ما می‌گیرند؛ به خصوص که آن وقت‌ها هم ضبط صوت‌ها بزرگ بود و مثل امروز نبود... بعدا همین نوارهای سخنرانی به طور گسترده بین مردم تکثیر شد و در آگاهی بخشی به مردم بسیار اثر داشت.»

خبر تعطیلی بازار و شورش مردم تهران، به اصفهان رسیده بود و این خبر، مبارزان و فعالان را برای کشاندن مردم به صحنه و در حمایت از بازار تهران، به تکاپو انداخت. مهندس سید رضا میرمحمدصادقی در خاطره‌های خود از چگونگی شورش حرکت یاد می‌کند:

«ابتدا علما را در خانه حاج مهدی شکونده جمع کردیم. یادم می‌آید که آیت‌الله آشتی آمد و عمامه‌اش را زمین زد و گفت: این چه اقتضای است؟! چطور مرجع تقلید را گرفتند! در آن جلسه حجج اسلام مرحوم فخرالدین کلباسی و منوچهر منصورزاده و شیخ مهدی مظاهری حضور داشتند و از علمای بزرگ اصفهان، آیت‌الله سید حسین خادمی و آیت‌الله شمس‌آبادی و آیت‌الله طیب و میرسیدعلی ابطحی بودند. نتیجه جلسه، نگارش نام‌های بود که به امضای آقایان رسید. نامه

حاجی از دعوت مردم به تعطیلی بود.»

فضل‌الله صلواتی نیز در خاطره‌های خود از تلاش‌های روز یازدهم محرم سخن می‌گوید: «در اصفهان روزهای یازدهم محرم، هیئت بنی‌فاطمه که دسته موتبری است، برای عزاداری به بازار اصفهان می‌رود؛ مخصوصا در دوران طاغوت، اشعار انقلابی و شعارهای زنده‌ای داشتند. مرحوم مرشدزاده، مداح این هیئت بود که به او "مرشد میرزا" می‌گفتند. نظر ما این بود که با او از مرثیه خوانی و سینه زنی در بازار برنامه‌مان را اجرا کنیم و می‌خواستیم که بازاری‌ها به عنوان اعتراض، منازع‌ها را چند روزی تعطیل کنند؛ اما مأموران دولتی دور او را گرفته بودند و کار ما به نتیجه نرسید و بنده و دوستان تنها چند شعار به نفع امام دادیم و مختصر درگیری با مأموران داشتیم و بالاخره برنامه اعتصاب را به روزهای بعد موکول کردیم.»

مهر باطل شد بر رفراندوم قلبی شاه

کتاب «شناخت انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن»، به قلم اسدالله بادامچیان، در صفحه ۱۹۱، درباره راه پیمایی روز عاشورا در تهران (روز سخنرانی امام خمینی) و سخنرانی حسنعلی زنتاب چنین می‌نویسد:

«...راه پیمایان با شعار پرمحتوای خمینی، خمینی، خدا نگهدار تو، بمیرد، بمیرد، دشمن جبار تو، راه پیمایی را ادامه داد، «از خیابان فردوسی، مقابل سفارتخانه‌های غربی و شرقی گذشتند تا آن‌ها عظمت جمعیت و خشم عمیق مردم را به چشم بینند و به سران استکبار غرب و شرق گزارش کنند. آنگاه جمعیت به طرف دانشگاه رفت و بر فراز در دانشگاه، شهید عراقی و دانشجویی به نام زنتاب که اکنون از فرهنگیان اصفهان است، سخنرانی کردند.

سپس راه پیمایان به طرف کاخ مرمرراه افتادند و جلوی کاخ که در محاصره گاردی‌ها و تانک‌ها بود، با مشت‌های گره‌کرده شعار بالا را همراه با شعار "پیروز باد ملت، بر شاه تنگ و نفرت" تکرار کردند.

آنگاه به طرف بازار آمدند و در مسجد امام (مسجد شاه سابق) به راه پیمایی خاتمه دادند. این راه پیمایی که به برکت عزاداری امام حسین(ع) به خوبی انجام شد، یک فراندوم طبیعی در مقابل رفراندوم شاه بود که مهر "باطل شد" بر رفراندوم قلبی شاه و نقشه‌های استکبار زد.»

گفتنی است؛ استاد حسنعلی زنتاب (متولد اصفهان– ۱۳۱۸ش) آن زمان دانشجوی لیسانس ادبیات دانشگاه تهران بود؛ پیش از این نیز در ۱۳۴۰ به دلیل سخنرانی در دانشگاه اصفهان، به عنوان عامل اصلی اغتشاش توسط ساواک دستگیر و در زندان قزل قلعه تهران اعزام شده بود.

زنتاب در سخنرانی سال ۱۳۴۲ مقابل دانشگاه تهران دستگیر نشد و متواری شد؛ اما در نهضت امام خمینی بارها توسط ساواک احضار و مورد بازجویی قرار گرفت. او در دوران اوج انقلاب (۵۶–۵۷) به مبارزه‌های خود شدت بخشید و در جریان تحصن ۱۰روزه منزل آیت‌الله خادمی در سازمان دهی اعتصاب‌های معلمان نقش بسزایی داشت که به همین اتهام دستگیر و مدتی بازداشت شد.



حسنعلی زنتاب- نفر اول در عکس

روایتی از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ در اصفهان

شایعه پراکنی مردم را بترساند و در صبح روز عاشورا یکی از مقام‌های ساواک از طرف شاه، حضرت امام را تهدید کرد که اگر بخواهد در مدرسه فیضیه سخنرانی کند، کماندوها آنجا را به آتش و خون می‌کشند. پاسخ امام خمینی این بود که «ما هم به کماندوهای خود دستور می‌دهیم فرستادگان اعلیحضرت را تأدیپ نمایند!»

به‌رغم تهدیدهای شاه، عصر روز عاشورا حضرت امام(ره) از منزل خارج شد و در میان ابراز احساسات انبوه جمعیت بی‌سابقه وارد مدرسه فیضیه شدند و نطق تاریخی و سرنوشت‌ساز خویش را ایراد کردند. امام در سخنانشان به صراحت و به شدت به شاه و سیاست‌های حکومت او اعتراض کرده و او را مجری برنامه‌ها و مقاصد آمریکا و اسرائیل معرفی کردند و نتیجه سیاست‌های رژیم را نابودی اسلام و بدبختی ملت دانستند.

در پی این سخنان، مأموران رژیم در شب دوازدهم محرم مطابق با پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ به منزل حضرت امام هجوم بردند و حدود ساعت دو بعد از نیمه شب ایشان را دستگیر و شش‌به‌هشتم به تهران منتقل و در زندان قصر زندانی کردند. این اقدام رژیم عامل

شعر و طنز اصفهانی در جریان ۱۵ خرداد

کتاب دوجلدی «مبدأ نهضت: مجموعه مقالات قیام پانزده خرداد»، به کوشش رحیم نیکبخت میکوهی و مجتبی سلطانی احمدی، توسط انتشارات خانه کتاب، به سال ۱۳۹۲ منتشر شده است. کتاب مشتمل بر پنجاه‌وهفت مقاله در زمینه قیام پانزده خرداد است که توسط پیش‌کسوتان تاریخ نگاری انقلاب، اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگران جوان به رشته تحریر درآمده است. جلد دوم این کتاب، در مقاله‌ای به قلم مرحوم استاد احمد زمانی و دکتر علیرضا ابطحی‌فروشان (اعضای هیئت‌علمی دانشگاه آزاد نجف‌آباد) در صفحه ۲۶۳ الی ۲۸۲، به قیام مردم اصفهان در پانزده خرداد پرداخته است.

در بخشی از مقاله چنین می‌خوانیم:

اصفهان از دیرباز از کانون‌های شعر و ادب فارسی بوده است. در دوره معاصر شعرا و ادبای بزرگی همچون استاد جلال‌الدین همایی (درگذشته ۱۳۵۹ش) و استاد صغیر اصفهانی (درگذشته ۱۳۴۹ش) در این شهر پرورش یافته‌اند. در دوران نهضت اسلامی نیز این روند ادامه داشت و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دوران جوانی اولین بار یکی از سروده‌های خود را در انجمن ادبی کمال‌الدین اسماعیل در مدرسه چهارباغ اصفهان قرائت می‌کنند. استاد محمدحسین صغیر اصفهانی پس از گفت‌وگو با ایشان به رسم یادگار غزلی را برای ایشان می‌نویسند (هدایت‌الله بهیودی، کتاب شرح اسم، ص ۷۴). در جریان نهضت اسلامی نیز شمرای اصفهانی به مناسبت‌های مختلف اشعار می‌سرایند.

محمود رستگاری در رثای مظلومان واقعه فیضیه اشعاری می‌سراید که در بخشی از شعر بلند او آمده است:

گشت در ایران به پا لولای خمینی

خانه دل‌ها شده‌ست جای خمینی

عالم اسلام را گرفته سراسر

بانک شجاعانه رسای خمینی

روز عزای امام جعفرصادق(ع)

قم شد بیکاره کربلای خمینی (به نقل از محمد حنیف، اصفهان در انقلاب، ص ۱۱۷).

استاد محمدعلی صاعد، دیگر ادیب برجسته معاصر، به هنگام مراقبت از یکی از مجروحان ۱۵خرداد شعر زیر را می‌سراید. این شعر بدون ذکر نام شاعر در آن ایام در اصفهان پخش می‌شود و ساواک اصفهان برای شناسایی شاعر تلاش فراوان می‌کند.

قسم به جان خمینی زعیم شرع مدار / به رهروان حقیقت به حرمت احرار
به استقامت آن‌ها که با شکنجه و زهر / خلاف حق و حقیقت نمی‌کنند اقرار
به خون کربند پاک شهیدان راه آزادی/ به حق هرکه کند باستمگران پیکار
به اشک چشم پتیمی که نیمه خرداد / نمود جان پدر در ره خدای نثار
به مادری که جگرگوشه‌اش به خون غلتید / به کودکی که فکندش مسلسل اشوار
که شاه خائن بیدارگر اگر از کین / هزار مرتبه کشتار کند تکرار
ز دودمان وی و جمله جیره‌خوارانش / به استقلال شهیدان درآوریم دمار

(به نقل از محمد حنیف، همان، صص ۲۰۳–۲۰۴.)



«مصام» روحانی‌زنده‌پوش و پهلول مسلک اصفهان نیز

پس از دستگیری امام خمینی، در یکی از مجالس مهم در روضه خوانی اصفهان، خود را روی منبر رسانده و در

بخشی از سخنان خود این‌گونه شاه را به تمسخر می‌گیرد:

«هرچه به این سید گفتم پایت را روی دم سگ نگذار،

سگ‌گاز می‌گیری، ولی او حرف مصمام را نشنید و پایش

را روی دم سگ گذاشت. عاقبت هم سگ او را گرفت.»

بلافاصله بعد از منبر، مأموران ساواک مصمام را دستگیر

کردند. او که همیشه فقط بر مادیان خود سوار می‌شد،

در این وقت هم حاضر نشد داخل اتومبیل ساواک شود؛

لذا سوار بر اسب، اتومبیل ساواک او را اسکورت کرده و به

طرف ساختمان ساواک روانه ساخت و بدین‌گونه قبل

از رسیدن به ساواک خبر دستگیری مصمام در شهر

پیچید. به هرحال مصمام به ساواک برده شد؛ اما پس

از یک بازجویی طنز و بی‌فایده، آزاد شد.

اعلامیه علما در خمینی‌شهر

پانزده خرداد در جو مذهبی نجف‌آباد و خمینی‌شهر[همایون شهر]ا هم انعکاس داشت. به دلیل اعتراض و تجمع افراد در بازار و اطراف مسجد جامع فروشان (معروف به مسجد آقا)، نیروهای ژاندارمری در محل حاضر می‌شوند. حضور افراد ژاندارم از آن رو بود که خمینی شهر فاقد شهربانی و تحت نظارت هنگ مستقل ژاندارمری اصفهان بود. براساس اسناد موجود در پرونده ساواک حجت‌الاسلام سید یحیی مرتضوی، پس از حضور نیروهای ژاندارم در محل، بلندگوی مسجد، مردم را به تجمع و اعتراض فرا خواند.
مضمون مطالب این بود که «ای ملت از این چند ژاندارم شیره‌ای و دو کامیون سرباز نترسید، این‌ها دستور تیراندازی ندارند، اگر تیراندازی کردند فدای امام حسین. از چند روز حیس نترسید، دین از بین رفت، شما در محل آسوده‌گردش کنید و آیت‌الله خمینی در گوشه زندان باشد…».

این مطالب پخش شده از بلندگو خطاب به جمعیتی بود که در مسجد گرد هم آمده بودند و از سوی یکی از روحانیون به نام سیدیحیی مرتضوی مورد خطاب قرار گرفتند که «… بلند شوید و به دین وفادار باشید…»؛ سخنان مرتضوی باعث شد اهالی فروشان دست به اعتصاب زده و مغازه‌های خود را تعطیل کنند و اعتراض جمعی رو به گسترش گذاشت. پس از آن تعدادی از افراد از زن و مرد و اهل علم، درصدد برآمدند تا با دوازده دستگاه ماشین عازم اصفهان شوند. این اقدام دو واکنش متفاوت در پی داشت: در یک سو، تقاضای نیروی کمکی شد؛ «مقرر فرمایند… نسبت به اعزام ۵۰ نفر سرباز اقدام عاجل به عمل آید…»، «از سوی دیگر، از طرف سرتیپ رستگار نامدار فرمانده مرکز توپخانه اصفهان به فرماندهی هنگ مستقل ژاندارمری اصفهان دستور داده شد «… در صورتی که ۱۲ دستگاه ماشین سواری… برای ایجاد تشنج به اصفهان اعزام شده‌اند، از عزیمت آنان به اصفهان جلوگیری شود…».

همچنین به اعزام یک افسر و ۵۰ درجه‌دار و سرباز برای تقویت پاسگاه ژاندارمری همایون شهر و جلوگیری از فعالیت مردم اقدام شد؛ از سوی دیگر، دستور داده شد درباره سید یحیی مرتضوی اقدام‌های قانونی صورت گیرد (نامه شماره ۲/۲۰۸۷ سرتیپ نامدار به فرمانده مرکز توپخانه به فرماندهی هنگ مستقل ژاندارمری اصفهان– ۴۲،۳/۱۸). تعطیلی بازار و دکاکین ادامه داشت و کوشش بر این بود که در مذاکره‌ها با روحانیون محل از آن‌ها خواسته شود برای بازکردن دکاکین اقدام کنند. سید یحیی مرتضوی دستگیر و در مرکز هنگ ژاندارمری اتهام‌های وارده به خود را تکذیب کرد و اظهارات پاسگاه همایون شهر را گزارش خلاف واقع دانست.

روز قیام پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ شد.

خبر دستگیری رهبر انقلاب با سرعت در سراسر ایران انتشار یافت. مردم قم قبل از دیگر شهرها قبل از طلوع آفتاب پانزدهم خرداد در جوار منزل حضرت امام(ره) اجتماع کردند و به اتفاق حاج‌آقا مصطفی خمینی به سوی حرم حضرت معصومه(س) رفتند. علما و روحانیون هم که در منزل آیت‌الله گلپایگانی جمع شده بودند، بعد از صدور بیانیه‌ای به مردم پیوستند و فریاد «یا مرگ یا خمینی» در آسمان قم طنین افکند.

جمعیت انبوه سپس به راه‌پیمایی پرداختند؛ اما هنوز از حرم چندان فاصله نگرفته بودند که با رگبار مسلسل نیروهای رژیم مواجه شدند و درگیری آغاز شد که تا ساعت پنج بعدازظهر ادامه داشت؛ سپس شهر قم در خاموشی فرورفت. طی این درگیری تعداد زیادی از مردم بی‌فداع، شهید و مجروح شدند. در تهران تظاهرات مردم خشمگین از بازارآبازفروشان در مرکز شهر شروع شد. کشاورزان ورامین، کن، چماران و دیگر روستاهای اطراف به سمت تهران سراریز شدند. جمعیت انبوه با شعار «مرگ بر شاه» در خیابان‌های اطراف بازار تهران به حرکت درآمد.

نام شاه را از میدان و مسجد برداشتند و جای آن را نام حضرت امام(ره) قرار دادند.

رژیم که از قیام عمومی مردم تهران به وحشت افتاده بود، نیروهای ارتش و تانک‌ها را به خیابان‌ها گسیل داشت و تهران یکی از خشونت‌آمیزترین و خونین‌ترین روزهای تاریخ خود را پشت سر نهاد. رگبار مسلسل‌ها و گلوله‌های تانک‌ها جوی خون در خیابان‌های مرکز تهران به راه انداخت و جمع



عکس مربوط به خرداد ۴۴ نیست!

یحیی مرتضوی توسط بازجوی ساواک

محمود شهیدی در تاریخ ۱۳۴۲،۳،۲۰ مورد

بازجویی قرار گرفت. او در پاسخ به این پرسش

که «عضو کدام یک از احزاب و دسته‌جات

سیاسی هستید؟» پاسخ داد: «حزب‌الله»،

سؤال‌کننده از او می‌خواهد محل تشکیل

حزب‌الله، رهبران واعضای آن‌ام ببرد. او درپاسخی

جالب، پیامبر و مسلمین و شیعیان را به عنوان

اعضای حزب‌الله معرفی کرد.

در پرونده ساواک حجت‌الاسلام مرتضوی،

همچنین اعلامیه‌ای با امضای «علمای

همایونشهر» به چشم می‌خورد که البته تنها

به قلم او نوشته شده است. عنوان این اعلامیه

پرچرزات این عبارت است که: «خون مارنگین‌تر

از خون شهدای ۱۵خرداد نیست.»

انقلابی از جنس پابرهنگان

در پایان به نقل از اسناد ساواک، اسامی دستگیرشدگان وقایع روز ۱۵ خرداد ۴۲ در اصفهان و مشاغل آن‌ها را که به نوعی نشانگر نحوه حضور اقشار مختلف در این نهضت است، می‌آوریم؛ البته عده دیگری نیز در روزهای بعد از قیام دستگیر شده‌اند.

۱. حسن معنوی، فرزند سید تقی، شاگرد عطار؛ ۲. محمد ایزدخواستی، فرزند عباس، کفاش؛ ۳. حسین کاملان، فرزند زین‌العابدین، کارگر کشفای؛ ۴. محمود کلاهدوزان، فرزند علی، بزاز؛ ۵. محمد خربمی، فرزند علی، شاگرد خرازی فروش؛ ۶. سید اصغر حجاز، فرزند ابوالقاسم، زرگر؛ ۷. کریم ناری، فرزند تقی، بنا؛ ۸. پرویز خسروی، فرزند خاتعل، شاگرد کفاش؛ ۹. حسن قلم‌ریز، فرزند علی، چراغ‌ساز؛ ۱۰. حسین خورشور، فرزند غلامعلی، کتاب‌فروش؛ ۱۱. مصطفی قزوینی‌زاده، فرزند مهدی، آرایشگر؛ ۱۲. مصطفی خلیلیان، فرزند علی، خیاط؛ ۱۳. محمود منتظری، فرزند کریم، منشی بنگاه؛ ۱۴. شکراله پوده‌ای، فرزند حسین، بقال؛ ۱۵. علی رضوانی، فرزند رجبعلی، شاگرد بقال؛ ۱۶. سیف‌الله کریمی، فرزند کریم، عتیقه‌فروش؛ ۱۷. ولی‌الله فتاحی، فرزند شعبانعلی، معلم فرهنگ؛ ۱۸. حسین خوشئی، فرزند رحیم، بافنده؛ ۱۹. حسین فسفتی، فرزند حسن، نخ‌دوزیز؛ ۲۰. ابوالقاسم کویانی، فرزند عبدالحسین، تاجر؛ ۲۱. یاقر نوروزی، فرزند اسداله، خرازی فروش؛ ۲۲. رضا نوروزی، فرزند اسداله، خرازی فروش؛ ۲۳. محمد اقتداری، فرزند جواد، آهن‌تراش.

اسامی افراد دستگیرشده وابسته به حزب زحمت‌کشان:

۱. دکتر سید کاظم میرعمادی، فرزند عبدالکریم، دبیر دانشگاه و رهبر کمیته؛ ۲. دکتر حسین واعظی، فرزند محمدعلی، عضو کمیته؛ ۳. مهندس عبدالرسول حاتم‌زاده، فرزند عبدالصمد، عضو کمیته، کارمند فن اداره صنایع و معادن؛ ۴. کریم اقبالی خیرآبادی، فرزند حسن، معلم فرهنگ، عضو کمیته؛ ۵. عباسعلی کسانلی کویانی، فرزند عبدالحسین، کارمند برق، عضو کمیته؛ ۶. اسداله خسروی نژاد، فرزند حسن، کارمند بیمه‌های اجتماعی، عضو کمیته؛ ۷. عبدالغفور و خسروی، فرزند محمد حسن، دلال بازار، عضو کمیته.

پایان یک حماسه روز بدون خون‌ریزی اصفهان

کتاب «گزارشی از حماسه ۱۵ خرداد ۴۲ در اصفهان»، گردآوری سید جمال‌الدین حسینی و نشر بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران شعبه اصفهان، به سال ۱۳۷۱ است. هر چند نیم‌بیشتری از این کتاب به حماسه ۱۵ خرداد بی‌ارتباط است، در

صفحه ۴۸ از قول دکتر مرتضی مقدادی چنین می‌خوانیم:

«ما ازجمله افرادی بودیم که در خیابان‌ها سعی

می‌کردیم باپرتاب سنگ‌ورگ، مغازه‌ها را به تعطیلی

بکشاییم… مردم استقبال وسیعی از ما می‌کردند.

مردم وسط خیابان‌ها نشستند و رفت‌وآمد تقریباً

قطع شد. قشر خاصی نبود؛ بلکه تمام مردم بودند.

ولی ۱۵ خرداد، به یاد ندارم کسی در اصفهان کشته

شده باشد؛ اما افراد زیادی را دستگیر کرده‌و وحشت

زبانی ایجاد کردند.

اصفهان خیلی فعال، ولی درگیری آن کمتر بود. ابتدا

ما فکر می‌کردیم جریان کلا عوض شود، ولی نشد،به

خاطر اینکه دستگاه، کنترل زیاد داشت و هنوز هم

آگاهی مردم آن چنان زیاد نبود و قبل از این تاریخ،

در زمان دکتر مصدق، نزدیک بود رژیم عوض شود؛

ولی بلافاصله مردم دیدند که به یک صورت دیگری

درآمد و جریان این بود که این‌ها با می‌ترسیدند و تا حدودی، خیلی‌ها امیدوار به موفقیت نبودند.»

دکتر میرعمادی، دلیل عدم درگیری و ایجاد فضای آشفته سیاسی در اصفهان در آن زمان را چنین توضیح می‌کند: «اگر به

توصیهات اصفهانی‌ها نشنایید، منتهی می‌شود که آدم‌های محافظه‌کاری هستند؛ یعنی بی‌خود خودشان را درگیر نمی‌کنند؛ ضمن اینکه عقیده‌شان را حفظ می‌کنند، راهی را انتخاب می‌کنند که سالم‌تر باشد.»

دکتر صلواتی در این‌باره می‌گوید: «به هر حال، ۱۵ روز بازار اصفهان تعطیل بود.

البته مردم مسخره می‌کردند می‌گفتند: اصفهانی‌ها خون از دماغ‌شان نمی‌آید و فقط ۱۵ روز تعطیل کردند. تهران ۱۵ هزار شهید داد و اصفهان ۱۵ روز تعطیل کرد.»

[اصفهان زیبا: در آمار کشته‌شدگان تهران مبالغه وجود دارد؛ همچنین در میان اسامی شهدای تهران، طلبه حوزه علمیه اصفهان و دانشجویی الهیات، شهید مظفر موسوی طلادی به چشم می‌خورد؛ در کارنایش نیز شخصی در این روز به شهادت رسیده است.]

بالاخره، بعد از مدتی رنج و ناراحتی از دستگیری و زندانی بودن امام توسط رژیم، آزادی و بازگشت ایشان در ۱۵ فروردین ۱۳۴۳، امیدبخش بسیاری از رهروان راه ایشان بود و شادی و امید زاید‌الوصفی در میانز ایجاد کرد؛ اما انقلاب اسلامی هنوز به ۱۵ سال زمان بیشتر نیاز داشت تا به پختگی برسد و بذ انقلاب که در این روز جوانه زد، به نهال و درختی استوار در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ تبدیل شود.



امام شهید! امام زرمندده‌ها!



زینب تاج‌الدین

دبیر گروه پایداری

هشت سال دفاع مقدس در حالی سپری شد که حضرت امام (ره)؛ پیشرو و راه‌بر زرمندگان بود؛ کسی که در همه این سال‌ها لحظه‌ای نگاه پد ارانه خود را از سر فرزندانش در خطوط عملیاتی و در لحظه‌های سخت نبرد با دشمن سرتاپا مسلح پرنداشت.

او همیشه با رویاور آنها بود. عشق به خمینی در لحظه به لحظه این هشت سال در بین نیروهای زرمند زنده بود و به آنها نیرو و انرژی و حتی روحیه مضاعف می‌داد. امام با کوچک‌ترین سختی در آن سال‌ها، بسیاری از معادلات دشمن را به هم می‌ریخت و با کوچک‌ترین اشاره‌ای، اتفاقات بزرگی را خلق می‌کرد. امام خمینی (ره) برای زرمندگان، تنها یک رهبر نبود؛ او پنا‌هگاهی بود که در آغوش بی‌کران ایمانش آرام می‌گرفتند، دست‌های پرتوانش چراغ راهشان بود و صدای پهلربلایش همان نوید پیروزی در تاریک‌ترین لحظات بود.

عشق به امام، نه فقط کلامی روی زبان، بلکه نبض تپنده‌ای بود که در رگ‌هایشان جاری بود و به آنان نیرویی می‌داد تا از مرگ ترسند و بر ترس‌ها غلبه کنند.

او برای زرمندگان، نه فقط رهبر بلکه نور چشم، پدر معنوی و سرچشمه امید بود؛ عشقی بی‌پایان که هرگز نمی‌میرد و در تاریخ پرافتخار ایران اسلامی تا همیشه باقی خواهد ماند. رابطه زرمندگان ما با امام رابطه مراد و مرید بود؛ مریدی که نامش روی لباس‌ها و سربند‌هایشان نقش می‌بست.

علیرضا شاه سنایی؛ جانباز اصفهانی که دوران نوجوانی و جوانی اش در همین میدان‌های جنگ و با عشق به امام (ره) گذ‌شته، معتقد است امام را باید از دید پژوهشگران، سیاست‌مداران و محققان شرق و غرب عالم بشناسیم.

او می‌گوید: «ما امام را آن‌طور که بایدو شاید نشناختیم. خمینی کبیر در یک مبارزه‌ای تنگاتنگ از همه هستی خود برای اسلام و شیعه مایه گذاشت. در عملیات‌ها آنجا که کار جنگ، خیلی خیلی سخت و طاقت‌فرسا می‌شد، پیام امام حرف اول و آخر را می‌زد و آبی می‌شد بر روی آتش؛ مثلاً امام فرمودند جزیره مجنون باید حفظ شود و حفظ شد. امام با آن مقام عرفانی دست و بازوی زرمندگان را می‌بوسید و این دوستی دوطرفه بود. زرمندگان با تمام وجود از فرمان امام اطاعت می‌کردند و از اخلاص امام بود که حدود ۲۰۰ هزار زرمند ه در مقام عظمای شهادت نائل آمدند. امام (ره) همه هستی زرمندگان بود و در میان آن همه سختی، عشق به او نوری بود که هرگز خاموش نشد، و این نور تا این‌د در قلب‌های عاشقان ایران می‌درخشد و نسل به نسل منتقل خواهد شد.»

خبرخوان

بنیاد شهیدسال گذشته به تعهد اشتغال خود عمل کرده‌است



مدیرعامل صندوق اشتغال و کارآفرینی ایثارگران گفت: بنیاد شهید سال گذشته بیش از ۱۵۳ درصد تعهد تأمین اشتغال ایثارگران را انجام داده است.

به گزارش ایرنا، حجت‌الله امانی اظهار داشت: بنیاد شهید و امور ایثارگران سال گذشته بیشتر از تعهد خود در زمینه اشتغال عمل کرده است و این فرایند پس از ایجاد اشتغال و ثبت در سامانه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و ارزیابی وضعیت شغلی افراد توسط ادارات کل تعاون تأیید و در سامانه ثبت نهت رسیده است.

وی افزود: سال گذشته ۱۲ هزار و ۹۳۱ تعهد شغل برای ایثارگران در استان‌ها به تفکیک در نظر گرفته شده بود که کمترین تعهد برای استان خراسان جنوبی بالغ بر ۵۸ نفر (طرح) و بیشترین تعهد در استان تهران با یک هزار و ۱۴۱ نفر (طرح) است.
مدیرعامل صندوق اشتغال و کارآفرینی ایثارگران ادامه داد: بنیاد شهید در سال گذشته توانست ۱۵۳٫۳۳ درصد تعهد خود را انجام دهد و ۱۹ هزار و ۸۱۴ نفر (طرح) را در سامانه ثبت کند.
امانی خاطرنشان کرد: در صورت تحقق و تأمین به موقع منابع اعتباری تکلیفی از سوی منابع داخلی بانک‌ها، تسهیلات پارانه دار و صندوق توسعه ملی امیدوارم امسال هم در راستای ایجاد شغل تکلیفی ایثارگران متقاضی موفق کنیم.

رهروانِ امامِ امید و اقتدار!

همراه با سرهنگ پاسدار مهدی اسماعیلی؛ فرمانده رزمایش کاروان دوی امدادی «عاشقان حسینی، زائران خمینی»



مکان استراحت و تغذیه هم در همین جلسات هماهنگ می‌شود. از صلی و محیط‌های اردوگاهی تا ورزشگاه‌و…

پشتیبانی پزشکی و درمانی چه وضعیتی دارد؟

علاوه بر کمک‌هایی که توسط مراکز درمانی مستقر شهرستان‌ها صورت می‌گیرد، کاروان هم همیشه باتوجه به ظرفیت‌سازمانی‌اش، حداقل یک خودروی اورژانس و تیم امدادی همراه دارد.

چند سال است که این پیاده‌روی انجام می‌شود؟ از چه سال‌ی؟

این حرکت به طورکلی از ایام رحلت حضرت امام (ره) در سال ۷۴ کلید خورد و شروع آن مربوط به زمانی است که دانشکده افسری سپاه در اصفهان و در مکان قبلی پادگان غدیر مستقر بود. این برنامه اما در حال حاضر که تداوم دارد، تحت مدیریت دانشگاه امیرالمؤمنین علیه‌السلام نیروی زمینی سپاه برگزار می‌شود. در خصوص سابقه برگزاری برنامه نیز به غیزاز ایام مقارن با ماه مبارک رمضان و ایام کرونا که برنامه تعطیل شد، امسال ۲۷ آمین سالی حرکت این کاروان است.

آیا چهره‌های مذهبی، فرهنگی یا انقلابی خاصی دعوت شده‌اند تا در طول مسیر یا در مقصد همراهی کنند یا سخنرانی داشته باشند؟

سال‌های قبل، محضرآیت‌الله مصباح می‌رسیدیم. گاهی هم آیت‌الله مهدوی برای بدرقه ما می‌آمدند. یا حتی در هرشهرستانی خدمت ائمه جمعه آن شهرستان می‌رویم. مسابقات هم از منابع مختلف داریم. مردم در هر شهرستانی در طول مسیر می‌توانند به خطوط ارتباطی ما در کانال‌های مجازی متصل شوند و پاسخ‌هایشان را ارسال کنند.

چگونه سعی می‌کنید حس همبستگی و معنویت جمعی را در طول این سفر پُررنگ نگه دارید؟

با برگزاری برنامه‌هایی مثل نماز جماعت، ذکر مصائب اهلیت، ختم قرآن واذکارقشرفیه، ختم صلوات، مطالعه دسته جمعی و حتی جمع‌کردن صدقات. گروه در اجتماعاتمان در گلزارهای شهدا ذکر مصائب‌اهل‌بیت را دارند. ما در سال‌های گذشته تقارن کاروان را با میلاد علی بن موسی‌الرضا(ع) داشتیم ویا مناسبت‌های همراه حزن و اندوه که همین امسال مقارن باشهادت امام باقر (ع) است. در ختم صلوات و قرآن، مردم شهرستان‌ها هم دخیل می‌شوند.

پیام اصلی این حرکت پیاده جمعی به مردم و مسئولین چیست؟

همیشه شمار معروف بچه حزب‌اللهی‌ها به فرمانده معظم کل قوااین بوده که «از تو به یک اشاره، از ما به سر دودین». ما با این حرکت، ضمن اینکه آمادگی جسمانی خودمان را به نمایش می‌گذاریم، به امام (ره) و رهبری (مدظله‌العالی) اعلام می‌کنیم در ارائه خدمت به مردم و ایجاد امنیت و تقویت اتحاد بین آنها و ارکان نظام سر از پا نشناخته و اجازه نخواهیم داد راه و اندیشه حضرت امام (ره) مغفول بماند. ما با این حرکت اعلام می‌کنیم امام امید و اقتدار ما، امام وعده‌های صادق ما در بین نسل‌های مختلف حامی و رهرو داشته و خواهد داشت.

در مجموع چقدر می‌شود؟ درمجموع فردی نزدیک به ۳۶ کیلومتر خواهد دوید.

برنامه زمانی دویدن این افراد به چه صورت است؟

تایم اول برنامه از ۶:۳۰ صبح تا موقع آذان ظهر و تایم دوم بعدازظهر از حوالی ۱۴:۳۰ تا ۱۸:۳۰ است. روز اول بیش از ۲۰۰ کیلومتر دویده می‌شود و روزهای بعد مسافت‌های ۱۹۰ کیلومتر و کمتر. سرجمع مسافتی که امسال برنامه‌ریزی شده است، ۷۰۲ کیلومتر است.

با نهادهای دولتی و انتظامی (استانداری‌ها، پلیس‌راه، هلال احمر) چگونه هماهنگی انجام شده است؟

قبل از حرکت در هر شهرستانی، در فرمانداری یا دفتر امام جمعه یا فرمانده ناحیه مقاومتشان جلساتی تشکیل می‌شود. ما در این جلسات، برنامه خودمان را ارائه می‌کنیم و هماهنگی‌ها صورت می‌گیرد. مسئولان شهرستان‌ها هم از جنبه‌های مختلف به این حرکت کمک می‌کنند. دوستان فراجا و متخصصین بهداشتی و درمانی نیز در این جلسات حضور دارند و هر کدام در حوزه تخصصی خود به کاروان کمک می‌کنند.

بزرگ‌ترین چالش‌های سازماندهی چنین رویدادی چیست؟

در حال حاضر مشکل اصلی این‌است که استقبال برای حضور و شرکت در این برنامه بیش از حد تصور است؛ ولی متأسفانه محدودیت‌های ما اجازه پذیرایی از همه عزیزان را نمی‌دهد. امیدواریم که مشابه این حرکت در استان‌های مختلف شکل بگیرد تا افراد بیشتری

آیا بودجه‌ای هم به این برنامه اختصاص داده می‌شود؟

ستاد ارتحال حضرت امام (ره) در استان وظیفه تأمین بودجه این برنامه را دارد. البته علاوه بر کمک‌هایی که از طریق این ستاد صورت می‌گیرد، سپاه، استانداری، شهرداری‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد نیز به این برنامه در حد توان خود کمک می‌کند و البته از کمک‌هایی که مردم داوطلبانه انجام می‌دهند مثل زدن موبک‌های پذیرایی در مسیر و استقبال از کاروان نباید غافل شویم.

فکر می‌کنید این حرکت چه پیامی برای مردم داشته باشد؟

ما در این برنامه شاهد این هستیم که جوانانی که سال‌ها پد از رحلت امام (ره) به دنیا آمده و الان در سنین جوانی هستند، در کنار افرادی قرار گرفته‌اند که جوانی خود را در دوران امام (ره) گذرانده و میوشان را سید کرده‌اند. و این در کنار هم قرار گرفتن درحالیست که هردو گروه با حضور در این کاروان، قصد دارند ارادت خود را به حضرت امام (ره) نشان می‌دهند.

این روشن‌ترین پیام این حرکت است. ما به همه می‌گوییم که امید را در خودتان تقویت کنید تا همه دست به دست هم دهیم و ذیل اندیشه امام (ره) و رهبری (مدظله‌العالی) متعالی‌ترین جامعه را شکل دهیم و در دنیا ساری و جاری کنیم. آینده از آن ماست و با امید و ایمان حرکت می‌کنیم.

خود شما هم در طول مسیر حضور دارید؟

بله. ان‌شالله امسال هم توفیق حضور در این کاروان را دارم. این کاروان، کاروان مقدس و پرپرکتی است و بیش از ۳۰ شهید، تجربه حضور در آن را دارند. حتی فرزند شهید مدافع حرم داشتیم که در کاروان شرکت کرده است. الحمدلله توجه شهدا به این کاروان نه تنها حس شده بلکه به چشم سر آن را دیده‌ایم.

کدام شهدا؟

شهید مجیری، شهید محسن حیدری، شهید مسلم خیزاب، شهید ابوالفضل علیجانی، شهید علی شاه‌سنایی، شهید محسن حججی و…

آیا تمثال این شهدا در برنامه دیده می‌شود؟

برای بزرگداشت یاد شهدا، تصاویر بیش از ۲۰ شهید همراه این کاروان روی لباس‌های دودنده‌ها نصب می‌شود و نماینده‌ای به نیابت از شهدا در کاروان حضور دارند.

و صحبت پایانی حضرتعالی…

این کاروان نمادی از عشق و ارادت نسل‌های مختلف به حضرت امام خمینی (ره) است و فرصتی برای تجدید میثاق با آرمان‌های انقلاب اسلامی و انتقال این ارزش‌ها به نسل جوان فراهم می‌کند.

خوشبختانه در طول سال‌ها استقبال از این حرکت از سراسر کشور گسترش یافته و این روند همچنان رو به رشد است. ما در این مسیر با امید به آینده ذیل توجه ولایت عظاما با اقتدار حرکت کرده و مطمئنیم این مسیر حق روزی در عالم گسترش کامل پیدا خواهد کرد.



محدودیت سنی یا شرایط جسمانی خاصی برای شرکت در نظر گرفته‌اید؟

افراد با تأییدیه پزشک و شرایط جسمانی خوب و توانمندی لازم برای دویدن، امکان حضور در این برنامه را دارند.

بزرگ‌ترین چالش‌های سازماندهی چنین رویدادی چیست؟

در حال حاضر مشکل اصلی این‌است که استقبال برای حضور و شرکت در این برنامه بیش از حد تصور است؛ ولی متأسفانه محدودیت‌های ما اجازه پذیرایی از همه عزیزان را نمی‌دهد. امیدواریم که مشابه این حرکت در استان‌های مختلف شکل بگیرد تا افراد بیشتری

پایداری



صفحه زیبا

شماره ۵۱۱

۱۳ / ۰۳ / ۱۴۰۴

سه‌شنبه

وب‌راستار و دبیر صفحه

زینب تاج‌الدین

بیشتر بدانیم

آماری که باید درباره اسرای عراقی بدانید



اسرای عراقی از لحاظ اعتقادات مذهبی بیشتر آنان شیعه و بقیه سنی یا پیروان مسیحیان کلدانی و آشوری بودند.

از نظر قومیتی، عرب ترک و کُرد بودند که کردهای عراقی از کمترین تعداد اسیر برخوردار بودند.

در مقاطع مختلفی که تبادل اسرا صورت می‌گرفت تعدادی از آنها به جمهوری اسلامی ایران بانهند می‌شدند. آمار آنان در طول این مدت ۱۰ هزار و ۶۳۴ نفر بیان شده است. از این تعداد ۷۶۳۴ نفر با آگاهی از مخاطراتی که انجام مصاحبه با صلیب سرخ جهانی در خصوص ابراز تمایل شخصی برای ماندن در ایران می‌توانست برای آنان داشته باشد به طور رسمی تراضیاتی خود را برای بازگشت به عراق اعلام کردند.

تعداد ۳۰۰۰ نفر هم از انجام مصاحبه خودداری کردند؛ ولی به عراق هم بازگشتند. به عبارتی ۱۵ درصد از کل اسیران عراقی تحت‌تأثیر شرایطی که برای آنان در اردوگاه‌های ایران فراهم شده بود از بازگشت به کشور خود منصرف شدند. بیشتر پناهندگان عراقی، نیروهای تواب و احرار شاخه نظامی مجلس‌اعلی انقلاب اسلامی عراق بودند و در مقابله با ارتش رژیم بعث شرکت فعال داشتند به طوری‌که تعداد ۳۰۹ نفر از آنان شهید، ۱۸۷ نفر مفقودالامر و ۵۸ نفر نیز فوت کردند.

تا زمان آزادی آخرین اسرای عراقی حاضر در ایران سال (۱۳۸۲). تعداد ۱۱۶۶ نفر از آنها به دلایل مختلفی همچون باقی ماندن عارضه‌های ناشی از مجروحیت و کپولت سن فوت کردند که اجساد تمامی آنها به عراق بازگردانده شد.

گفتنی است که طی مدت ۲۳ سال نگهداری از این عده عظیم از اسیران عراقی فقط تعداد ۴۷ نفر موفق به فرار از اردوگاه‌ها شدند که این عده نیز در کوتاه‌مدت دستگیر و به اردوگاه بازگردانده شدند.

میانگین سن اسرای عراقی ۲۵ سال بوده درحالی‌که اکثر آنها ۸۵ درصد در سنین بین ۲۰ تا ۴۰ سال بودند درمین حال چندین نفر از اسرا هم نوجوانان زیر ۱۷ سال و درصد ناچیزی نیز افراد مسن بودند.

از کل اسرای عراقی حدود ۱۰ درصد دارای تحصیلات بالاتر از دیپلم تا دکترا بودند و حدود ۷۰ درصد آنها تحصیلاتی از سواد خواندن و نوشتن تا دیپلم داشته‌اند.

۲۰ درصد بقیه اسرای عراقی بی‌سواد بودند که مسئولان ایرانی مقدمات سوادآموزی آنان را فراهم کرده بودند.

تعدادی از اسرای عراقی سربازان احتیاط و از نظر تخصص نیز متنوع بودند. از پزشک، استاد دانشگاه، دبیر آموزش و پرورش گرفته تا تعمیرکار، بنا، معمار و صنوف مختلف. بیشتر اسرای موجود در اردوگاه‌های ایران، نظامی و شمار بسیار ناچیزی از آنها شاید ۵ (درصد) غیرنظامی بودند.

به لحاظ درجه نظامی نیز باید خاطرنشان کرد که بیش از ۱۰۰۰ نفر از اسراه افسر از ستوان دوم تا سرلشکر و ۱۵ درصد درجه‌دار و بقیه سرباز بودند. اکثر اسرای اسیر شده و بقیه پیرو مذهب تسنن و دین مسیح (ع) بودند.

اسرای عراقی پس از اسارت به دلایل مختلف از جمله حاکمیت فضای مذهبی در جمهوری اسلامی ایران و احساس تنهایی و سر به جیب تفکر فروبریدن به مراسم و اعمال دینی علاقه وافری نشان می‌دادند تا آنجا‌که حدود ۷۰ درصد از آنان اهل نماز و روزه شدند.

بیشتر اسرای عراقی در سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۶۱ که سلسله عملیات کربلا به اجرا درآمد و بخش اعظمی از خاک میهن را از لوث وجود اجانب پاک شد، به اسارت گرفته شدند.

در میان اسرا از سرباز وظیفه و نیروهای جیش‌الشعبی تا سرتیپ و حتی سرلشکر که در مسندهایی همچون جانشین لشکر و فرماندهی تیپ قرار داشتند به چشم می‌خورد.

۶ حکمرانی فرهنگی
<div>esfahan</div> <div>ziba</div> <div>online</div>

صفحه‌ان زیبا
شماره ۵۱۱
۱۳ / ۰۳ / ۱۴۰۴
سه‌شنبه
دبیر صفحه / فرشاد توسلی
ویراستار / عذرا دینانی

۱۳۷۵

یکی از علمای بزرگ، در سال ۴۲ یا ۴۳، به خود بنده این مطلب را گفت. گفت: «در پانزده خرداد که ایشان، یعنی امام، این حرکت را کردند، خیلی کسان کشته شدند که بهترین جوانان ما بودند. جواب این‌ها را چه کسی خواهد داد؟» این طرز فکرها بود. اما امام، استقامت ورزید. عظمت روح او و عظمت بصیرتی که بر او حاکم بود، در اینجاها دیده می‌شد.

۱۳۷۹

نقش امام بزرگوار ما این بوده‌که این حقیقت را ثابت کرد که نیروهای ارتگذار در تحولات اجتماعی و سیاسی، عبارت از چیزهایی است که به انسان‌ها برمی‌گردد؛ مربوط به نیروهای انسانی واره‌انسانی و ایمان‌انسانی است. طبق این اصل، آرایش قدرت‌ها و نیروهای ارتگذار در تحولات اجتماعی، غیرآزان چیزی است که همیشه قدرت‌مداران و مستکبران عالم خواستند آن را نشان دهند.

۱۳۸۰

از اوایل انقلاب، همیشه امام خطاب به جوانان، دانشجویان، متفکران کشور و کسانی که دارای استعداد بودند، می‌گفت که به خودتان ایمان بیاورید؛ نیروی خودتان را باور کنید و بدانید که می‌توانید. این درست در مقابل تعالیمی بود که در دوران طلوتی استبداد در این کشور، تلقین می‌شد مردم ایران نمی‌توانند.

۱۳۸۳

راز موفقیت امام در مکتبی است که عرضه کرد و توانست آن را به‌طور مجسم و به‌صورت یک نظام، در مقابل چشم مردم جهان قرار دهد. البته انقلاب عظیم اسلامی ما به دست مردم به پیروزی رسید و ملت ایران عمق توانایی‌ها و ظرفیت فراوان خود را نشان داد؛ اما این ملت بدون امام و مکتب سیاسی او قادر به چنین کاری نبود.

۱۳۸۵

سرما به‌ای که امام برای کشور و ملت ما ذخیره کرده، یک سرمایه تاریخی و حیاتی است. این سرمایه و ذخیره ارزشمند، استقلال سیاسی ماست؛ خودباوری ملی ماست؛ خودباوری فرهنگی ماست؛ ایمان عمیق مردم ماست؛ شجاعت ملت و مسئولان در مقابل تهدیدهای دشمن و فریب‌نخوردن در برابر تمجیدها و تطمیع‌های اوست؛ این‌ها درس‌هایی است که امام عزیز ما در طول ۱۰ سال بانفس خود، کم‌باروش، با ممشای خود، به ملت ما درس داد و قضای کشور ما پُر است از این درس ارزشمند.

۱۳۸۸

بعد از آنی که در طول سال‌های متمادی کوشش شده بود که هویت اسلامی خرد شود، له شود، وقتی این انقلاب به وجود آمد، وقتی قامت برافراشته امام بزرگوار ما در منظر مردم مسلمان عالم پدیدار شد، همه احساس کردند یک هویتی، یک شخصیتی، یک اصالتی پدیدار آمد. همین موجب شد که در شرق و غرب دنیای اسلام نشانه‌های پیداری مسلمانان پدیدار شود. همان شاعران و هنرمندان و نویسندگانی که با یأس حرف می‌زدند، احساس شکست می‌کردند، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، بعد از حرکت عظیم امام بزرگوار و ایستادگی‌های این ملت، روحیه‌شان عوض شد.

۱۳۹۰

یک مظهر دیگر عقلانیت امام، تزریق روح اعتماد به‌نفس و خوداتکایی در ملت بود. در طول سال‌های متمادی، از آغاز تسلط و ورود غربی‌ها در این کشور، یعنی از اول قرن ۱۹ میلادی که پای غربی‌ها به ایران باز شد، دائما به‌وسيله عوامل و دستياران خودشان، با تحلیل‌های گوناگون بر سر ملت ایران می‌زدند؛ ملت ایران را تحقیر می‌کردند، به ملت ایران می‌پاوزندند که نمی‌توانند، غرضه اقدام علمی و پیشرفت علمی ندارد. توانایی کارکردن و روی پای خود ایستادن را ندارد. امام بزرگوار به یک چنین روحی روح اعتماد به‌نفس را تزریق کرد و این نقطه تحول ملت ایران شد.

امام‌فریاد

نگاهی به ۳۰ سال سخنرانی رهبر معظم انقلاب در مراسم ارتحال امام خمینی (ره)

۱۳۷۴

پیام بزرگ و مهم انقلاب ما برای امت اسلامی و جوامع و ملت‌های مسلمان، عبارت از «احیای هویت اسلامی، بازگشت به اسلام، بیداری مسلمانان و بازگشت به نهضت اسلامی» است. این پیام بزرگ انقلاب ما به ملت‌های مسلمان است که امام و پیشوای بزرگ این راه و معلم بزرگ این خط و مکتب بود.

۱۳۷۶

امام بزرگوار، فقه شیعه را از دورانی که خود در تبعید بود، به سمت فقه اجتماعی و فقه حکومتی و فقهی که می‌خواهد نظام زندگی ملت‌ها را اداره کند و باید پاسخ‌گوی مسائل کوچک و بزرگ ملت‌ها باشد، کشاند.

۱۳۷۷

دو نکته اساسی در حرکت امام بزرگوار بود که همین دو نکته، سرمایه ارزشمند این انقلاب بود و هست؛ یکی اینکه، هدف این انقلاب، اسلام است؛ دوم اینکه، سربازان این انقلاب و لشکر این انقلاب، مستضعفان و پابرهنگان و همچنین قشر جوان‌اند. این انقلاب را پابرهنگان به پیروزی رساندند.

۱۳۷۸

در طول این مدت ۱۴ سال و به‌خصوص چند سال اخیر، یعنی از سال‌های ۵۰ و ۴۹ تا ۵۴ و ۵۵ شدت اختناق و فشار زیاد بود. گروه‌ها، گروهک‌ها، احزاب سیاسی گوناگون، مخفی، مبارز، سیاسی و غیرسیاسی به وجود می‌آمدند و همه در زیر فشارهای رژیم مضمحل می‌شدند و از بین می‌رفتند یا بی‌خاصیت می‌شدند.
باینکه بعضی از آن‌ها پشتیبان‌های سیاسی بین‌المللی هم داشتند، به بلوک شرق و غرب، به‌خصوص به شرق، متصل بودند و از آنجا هدایت و کمک می‌شدند؛ اما نهضت امام متکی به تشکیلات حزبی نبود. مخاطب او، متن مردم بودند. او با متن مردم و توده مردم حرف می‌زد و آن‌ها را هدایت می‌کرد.

۱۳۸۱

هنر بزرگ امام بزرگوار ما این بود که چهارچوب محکمی را برای این انقلاب به وجود آورد و نگذاشت این انقلاب در هاضمه قدرت‌ها و جریان‌های سیاسی مسلط هضم شود. شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» یا شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» که تعالیم امام و خط اشاره انگشت ایشان در دهان مردم انداخت، معنایش این بود که این انقلاب متکی به اصول ثابت و مستحکمی است.

۱۳۸۲

فرق امام بزرگوار ما و دیگر مصلحان تاریخ اسلام در یکی دو قرن اخیر همین بود. امام وارد صحنه شد، وسط میدان آمد، میان مردم بود، با مردم حرف زد، اصول خود را برای مردم تبیین کرد و آن‌ها را به ایمان روشن بینانه و آگاهانه‌ای مثل ایمان خود رساند؛ آنگاه ایمان و انگیزه مردم و تعالیم اسلام، معرکه را به سود حق و حقیقت تمام کرد. دیگران نمی‌توانستند و نتوانستند این مرحله دشوار را پیش ببرند.

۱۳۸۴

مردان خدا به تاریخ روح می‌بخشند و روح بخشیده‌اند. امام بزرگوار ما از زمره چنین مردانی بود. مردان خدا بر دل‌ها حکومت می‌کنند و بر اثر همین اتصال به خداست که سلطان دل‌ها می‌شوند. ولایت مردان خدا، ولایت معنوی و باطنی است، ولایت ظاهری آن‌ها اگر به ولایت ظاهری دست پیدا کنند، ناشی از معنویت و ولایت باطنی آن‌هاست. خدا قدرت خلایقیت خود را به مردان خدا و پیغمبران خود و اوصیای پیغمبران می‌بخشد و آن‌ها را بر دل‌ها حاکم می‌کند. ولایت و حکومتی که رشحه‌ای از ولایت معنوی در آن نباشد، اگر جذابیتی هم داشته باشد، جز لعلابی از دروغ و فریب و تزویر نیست. امام این الگورا به ما نشان داد و ما آن را از نزدیک دیدیم.

۱۳۸۶

تفاوت رهبری و زعامت معنوی و روحی این است؛ علت هم همان اتصال با منبع اصلی قدرت، ارتباط با خدا، همه چیز را از او دانستن و همه کار را برای او کردن، است. این را از اقتدار و ماندگاری و نفوذ مردان خداست. امام با این دید و با این مبنا، همچنان زنده خواهد ماند.

۱۳۸۷

گسترش انقلاب انظر امام از راه ایجاد فتنه در کشورها نیست؛ از راه لشکرکشی نیست؛ از راه گسترش تروریسم نیست. برخلاف برخی از انقلاب‌های دیگر، گسترش انقلاب در میان ملت‌ها از راه الگوسازی نظام جمهوری اسلامی است؛ یعنی ملت ایران نظام جمهوری اسلامی را به حدی و مرتبه‌ای برسانند که وقتی ملت‌های دیگر به این الگو نگاه می‌کنند، شوق پیدا کرده و آن راه را دنبال کنند.

۱۳۸۹

اولین و اصلی‌ترین نقطه در میانی امام و نظرات امام، مسئله اسلام ناب محمدی است؛ یعنی اسلام ظلم‌ستیز، اسلام عدالت‌خواه، اسلام مجاهد، اسلام طرف‌دار محرومان، اسلام مدافع حقوق پابرهنگان و رنج‌دیدگان و مستضعفان. در مقابل این اسلام، امام اصطلاح «اسلام آمریکایی» را در فرهنگ سیاسی ما وارد کرد. اسلام آمریکایی یعنی اسلام تشریفاتی، اسلام بی‌تفاوت در مقابل ظلم. در مقابل زاده خواهی، اسلام بی‌تفاوت در مقابل دست‌اندازی به حقوق مظلومان، اسلام کمک به زورگویان، اسلام کمک به اوقیا، اسلامی که با همه این‌ها می‌سازد.

۱۳۹۱

وقتی ادبیات انقلابی امام را ملاحظه می‌کنید، می‌بینید تکیه اصلی بر ساخت درونی ملت است؛ احیای روح عزت، نه با تفاخر، نه با غرور، نه با به‌خود بستن، بلکه با استحکام ساخت درونی.

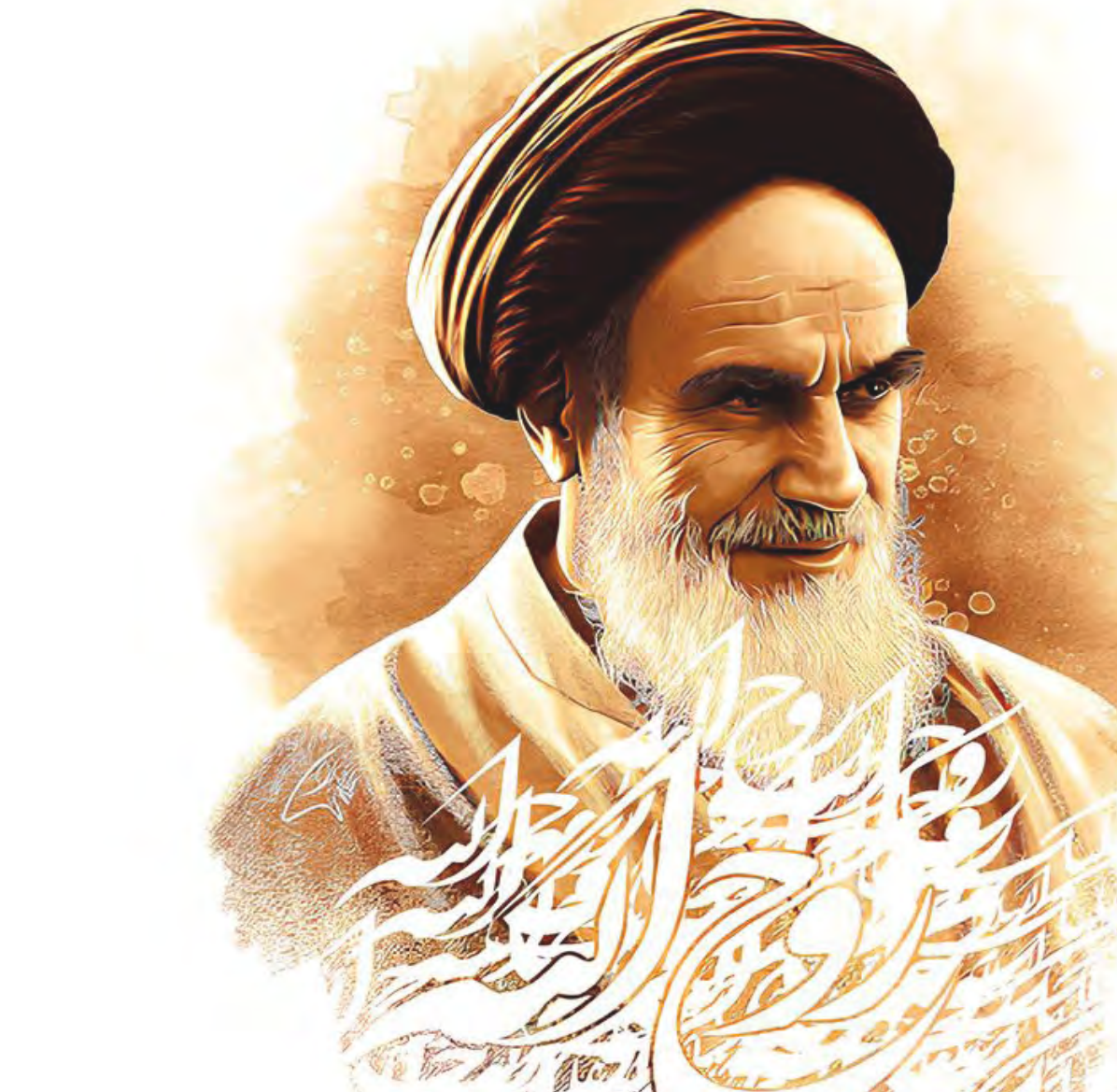
۱۳۹۲

امام به مردم ایران «ما می‌توانیم» را تعلیم داد. امام قیل از آنکه «ما می‌توانیم» را به مردم ایران تلقین کند و تعلیم دهد، «ما می‌توانیم» را در وجود خود زنده کرد؛ در روز عاشورای سال ۴۲ امام در عین غربت، در میان طلاب و مردم قم در مدرسه فیضیه، محمدرضا شاه را که با انکای آمریکا و قدرت‌های خارجی، به‌طور بی‌قیدوشرط و بی‌مهاری بر کشور حکومت می‌کرد، تهدید کرد که اگر این‌چور حرکت کنی، این راه را ادامه دهی، من به مردم ایران خواهم گفت تو را از ایران بیرون کنند! این را چه کسی می‌گوید؟ یک روحانی ساکن در قم، بدون سلاح، بدون تجهیزات، بدون پول، بدون پشتوانه بین‌المللی؛ فقط به اتکای ایمان به خدا و اعتماد به نفس.



دبیر گروه فرهنگ و اندیشه

امام خمینی (ره)، بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، پیروزی و استقرار نظام نوین را نه از مسیر سخت‌افزارهای مادی مثل پول، حزب یا حمایت بیگان‌ه، بلکه از یستر فرهنگ، کلام و ایمان مردم ممکن ساخت. در جایی می‌گوید: ما با فریاد، محمدرضا خان را بیرونش کردیم. شما خیال می‌کنید با تنگ بیرون کردیم؟ با فریاد، با «الله‌اکبر»! این الگو روویکرده، سالیان سال است مورد توجه ویژه رهبر انقلاب قرار گرفته؛ هربار که سخن از اداره کشور و ادامه مسیر انقلاب به میان آمده، ایشان با اشاره به میراث امام، نقش فرهنگ و معنای ایمان را به‌عنوان ستون فقرات مدیریت جامعه اسلامی تکرار کرده‌اند؛ گویی استمرار مسیر انقلاب از همان راهی میسر است که انقلاب با آن پیروز شده؛ البته برخلاف فهم رایجی از اداره که آن را به مهندسی و اعمال نیرو تقلیل می‌دهد؛ از این رو، مروری بر سخنان رهبر انقلاب در سالگرد ارتحال امام خمینی، تصویری روشن‌تر از جایگاه فرهنگ در اداره کشور ترسیم می‌کند. درمطلب پیش رو، گوشه‌هایی از این بیانات طی ۳۰ سال گذشته را مرور خواهیم کرد.



۱۳۹۸

جمله‌ای را یادداشت کرده‌ام که نوشته یکی از چهره‌های سیاسی معروف دنیاست: «دوران نقش آفرینی منحصربه‌فردتوان نظامی واقتصادی در سیطره جهانی در حال افول است.»
اومی‌نویسد: «در آینده نه چندان دور شاهد قدرت‌های فرامرزی خواهیم بود که از لحاظ ماشین آلات جنگی، مثل بمب اتم، یا سهم در تولید صنعتی جهانی، چندان بالا نیستند؛ اما با قدرت تأثیرگذاری بر میلیون‌ها انسان، سیطره نظامی واقتصادی غرب را به چالش خواهند کشید.» این رایک سیاست‌مدار و صاحب‌نظر سیاسی غربی و آمریکایی می‌گوید. بعد اضافه می‌کند: «دکترین مقاومت خمینی با تمام توان، شاهرگ‌های سیطره غرب و آمریکا را هدف گرفته است.»
راز ماندگاری جمهوری اسلامی این‌هاست.

۱۳۹۹

در دوران جوانی ما، دورانی که یادمان هست این نهضت شروع شد، ملت ایران با مسائل اساسی سرنوشت خودش سروکاری نداشت؛ مردم تسلیم بودند؛ خمود بودند؛ درباره زندگی شخصی خودشان اینی اراده ا بودند. این حالت حرکت میدان داری، وارد میدان شدن، مطالبه‌کردن، آن‌هم مطالبه چیزهای بزرگ و مهم، در رفتار ملت و در خلق و خوی ملت ما مطلقا وجود نداشت؛ این را امام ایجاد کردند؛ همین ملت خمود و تسلیم را تبدیل کردند به یک ملت مطالبه‌گر؛ این سخنرانی‌های پرشور و توفنده امام، آن بیان‌های خروشنده امام، آن چنان تکان داد این ملت را که این ملت تبدیل شدند به یک ملت مطالبه‌گر.

۱۴۰۰

امام بزرگوار به مردم خیلی اعتقاد داشت؛ به توانایی‌های مردم، به عزم مردم، به وفاداری مردم؛ و ما خاطره‌ها داریم از این!، ایمان عجیب ایشان؛ یعنی سال ۴۱ که همان اول شروع نهضت ا بود]. امام در درس یک روز بحث را کشاندند به مسائل سیاسی و همان مسئله جاری، اشاره کردند به بیابان قم و گفتند اگر ما دعوت کنیم، مردم این بیابان را پُر خواهند کرد! سال ۴۱ که هیچ‌کس تصور نمی‌کرد بتوان مردم را در یک چنین حرکتی همراه کرد و وارد کرد.

۱۴۰۱

امام مردم را وارد میدان کرد؛ راهکار را نشان داد؛ آن‌ها را در میدان نگه داشت؛ یأس و تردید را از آن‌ها دور کرد. هیچ‌کس دیگر در این کشور قادر به این کار نبود. ما می‌شناختیم شخصیت‌های سیاسی را، شخصیت‌های روحانی را، خیلی‌ها از نزدیک، بعضی‌را از دور؛ احدی را ندیدم این کار بزرگ را، این بار سنگین را به دوش بکشد و به منزل برساند. متحصرا این کار، کار امام بزرگوار بود؛ او بود که توانست این کار را بکند.

۱۴۰۲

امام، عامل کمک‌کننده سخت‌افزاری نداشت؛ نه پول داشت؛ نه ابزار تبلیغی داشت؛ نه رادیو داشت؛ نه خبرگزاری داشت؛ نه هیچ‌کدام از سیاست‌های دنیا از او حمایت و ایه او] کمک می‌کردند. عامل سخت‌افزاری امام، یک صفحه کاغذ بود که بیانبه در آن بنویسد؛ یک تکه نور بود که صدای او را ضبط کند و به گوش ایشان و آن برساند؛ عامل سخت‌افزاری و کمک‌کار سخت‌افزاری نداشت؛ هر چه بود، در کمک عامل نرم‌افزاری امام بود؛ عامل نرم‌افزاری امام چه بود؟ این مهم است. این عامل نرم‌افزاری را می‌توان با بیان‌های مختلف بیان کرد. من امروز دو عنوان را، دو تعبیر را از این عامل کمک‌کننده به امام انتخاب کرده‌ام و این‌ها را می‌خواهم مطرح کنم؛ آن دو عامل عبارت است از: «ایمان» و «امید».

۱۴۰۳

آن روزی که نهضت اسلامی به رهبری امام بزرگوار اولین گام‌های خودش را برمی‌داشت و رژیم طاغوت در فیضیه قم، در خیابان‌های قم، در تهران، هر حرکتی را با شدت و بی‌رحمی تمام سرکوب می‌کرد، در چنین شرایطی که مبارزان تعداد اندکی بودند و طرف مقابل هم یک رژیم جبار و بی‌رحم بود، ایشان خطاب به ما‌ها که آن روز طلبه‌های جوانی بودیم، فرمودند: «این‌ها رفتنی هستند؛ شما می‌مانید.» آن روز کسانی که اهل تحلیل بودند، اهل مطالعه مسائل گوناگون کشورها و مبارزات و مانند این‌ها بودند، از این‌چور سخنی تعجب می‌کردند؛ ایشان گفتند و همین هم شد.

شش سال نداشتیم که از کتابخانه پدرم بالا رفتم تا کتابی را بردارم با جلدی سفید که دایره توپیر سرخی گوشه‌اش خودنمایی می‌کرد. نمی‌دانم چه چیز آن کتاب مرا گرفت که خطر چیه شدن کتابخانه را به جان خریدم. یکی دو طبقه بالا رفتم و کتاب را از لابه‌لای کتاب‌های کاهی‌ای که چفت هم ایستاده بودند، بیرون کشیدم. کتاب چیزی برای من نداشت. اگر هم داشتم، من سواد خواندنش را نداشتم. پس صفحانی را که پر از کلمات سربی بود ورق زدم به این امید که آخرش روشن باشد. تعدادی عکس سیاه و سفید ضمیمه کتاب شده بود. در مرکز همه‌شان پیرمردی بود با ابروهای پرپشت و چشمان درشتی که مثل میخ توی قلمم فرو رفت.

اولین مواجهه‌ام با امام از طریق کتاب بود؛ «تفسیر آفتاب» اثر محمدرضا حکیمی. کتابی که بعدها به خواست نویسنده چاپش متوقف شد. بعد از این فقط عکس‌هایی که به بهترین دیوار خانه چسبانده شده بود می‌توانست تصویری را که از آن مرد داشتم کامل کند. مردی که در قاب نمی‌گنجید و خودش را از توی عکس می‌کشید بیرون.

بزرگ شدم و توانستم با کتاب‌هایی که حالا پشت سر هم می‌آمد، خودم را به او نزدیک‌تر کنم. یک بار در همین ایام تلویزیون با نویسنده‌ای مصاحبه کرد که چیزی درباره امام نوشته بود. به نظرم خواندنی آمد. ردش را گرفتم و فهمیدم مؤسسه تنظیم و نشر چاپ کرده که آن روزها در خیابان شیخ بهایی مغازه‌ای داشت. بارها از این طرف شهر با اتوبوس تا آنجا رفتم و به در بسته خوددم. عاقبت در یک شب سرد زمستانی کتاب را به چنگ آوردم. اسمش بود «خمینی روح‌الله» نوشته سید علی قادری. کتاب درجه‌هایی را به رویم باز کرد و مرا تا گل‌های زرد دامن خمین برد. کتاب بنا نداشت که یا را از اسناد بالاتر بگذارد؛ اما همان‌ها را بالحنی داستانی آمیخته و شیرین کرده بود. با آن کتاب روزها همراه روح‌الله در دشت‌ها اسب سواری کردم، پشت باروهای بلند خانه سنگر گرفتم و تفنگ انداختم، دست در دست عمه تا پایتخت رفتم و قصاص قاتلان آقامصطفی را از محمدعلی شاه خواستم. در جشن پیروزی مشروطه دوع درست کردم و جوهر مهمان‌ها را خنک کردم و همین‌طور آدمم و آدمم تا اولین دیدار با آقای ثقفی خوش پوش و خواستگاری از دخترش و تمام. کتاب همین جام‌تاش شد و جلد دومش نیامد.

عطش داشتم که باز از او بخوانم. چیز خوشمزه‌ای در دست نبود. آنچه بود، سند بود و به کار نمی‌آمد. تا اینکه کتاب ادبیات مدرسه به متنی از نادر ابراهیمی رسید با این عنوان «سه دیدار با مردی که از فراسوی باور ما می‌آمد». قصه درباره طلیه جوانی به نام روح‌الله بود که برف‌های کوجه‌ای را می‌گرفت و به سمت خانه آقای کاشانی قدم برمی‌داشت تا با او درباره سیاست حرف بزند. همین ماجرابی که شاید ساده به نظر برسد، برای من بسیار جذاب بود؛ چون تصویر خیال‌انگیزی از امام ارائه می‌کرد و خود را متولی توصیف تکه‌های غیرقابل دسترس می‌دانست. بعدها رفتم دنبال کتابش و دیدم که از «سه دیدار» فقط دو دیدارش چاپ شده و دیدار سوم معلوم نیست کجاست.

کتاب از همان اول از همان مقدمه چیز جدیدی است. نادر همان ابتدا می‌گوید که قرار نیست تاریخ بگوید و کارش داستان‌نویسی است و نویسنده سر و کارش با حقیقت است و حقیقت چیزی است که برای رسیدن به آن باید سلوک کرد و غور کرد و به خود زحمت داد و آخر دست هم فقط مشت‌ی از آن را به دست آورد که آن هم به ناچار رنگ سالک را به خود می‌گیرد. کتاب درباره امامی است که در وهله اول برای ما ناآشناست. کتاب پیر از حدیث نفس است؛ چیزی که برای هیچ‌کس آماده و در دسترس نبوده. می‌توان نویسنده را متهم کرد به از پیش خود گفتن؛ اما درستش آن است که از نویسنده اولاً بابت مطالعه جدی منابع تقدیر کرد. ثانیاً از دیدار با بستگان امام و گرفتن اطلاعات بیشتر از ایشان و ثالثاً ریختن همه این‌ها در ظرف خیال؛ که البته کار جسورانه و بی‌سابقه‌ای است.

نهایتاً آنچه مرا به امام بیشتر نزدیک کرد، اشعار بود و کتاب‌های خود او؛ که بسیار سخت بودند و تخصصی و وابسته به جهانی که من به آن راه نداشته‌ام و ندارم. اما شنیدن اشعارش با صدای خواننده‌ها کمی از درشتی‌اش کاست و ورود زبانم شد. کتاب‌های عرفانی‌تر هم آرام‌آرام برابم فهم‌پذیر و دلپذیر شد. «تفسیر سوره حمد» را خواندم و بعد فیلم‌هایش را دیدم و حس کردم که چقدر نبود صدا و تصویر نویسنده می‌تواند متن را کام‌رنگ کند. بعدتر به «چهل حدیث» سر زدم و نوع عرفانی را که خاص امام بود، چشیدم و به این نتیجه رسیدم که اگر آدم می‌تواند بهتر است که سراغ منابع دست اول برود و هی برای خودش واسطه نترشد. واسطه‌ها مزه اثر را می‌برند. ترس مواجعه با متن اصلی آدم را اسیر حاشیه‌ها می‌کند. متن اصلی آینه آن آدم است؛ هرچند سخت و غیرقابل‌گشودن و درشت. آثار امام به قول بیدل فهم‌تیز می‌خواهد؛ چون کوه است و کتل دارد. آیا باید تا رسیدن به فهم‌تیز دست نگه داشت؟ نه. باید رفت و برگشت. باید خواند و با احترام گذاشت توی کتابخانه و دوباره رفت سراغش.

حلول روح خدا در میان واژه‌ها

معرفی اجمالی کتبی که به شخصیت بنیان‌گذار انقلاب اسلامی پرداخته‌اند

هفت صبح ۱۴ خرداد ۱۳۶۸ بود که محمدرضا حیاتی، مجری اخبار صداوسیما، خیرسهمگینی را اعلام کرد که ملت ایران را تکان شدیدی داد. شب پیش، روح خدا به خدا پیوسته و کمر ایران خم شده بود. از آن زمان تا کنون کتاب‌های بسیاری در راستای معرفی ابعاد شخصیتی حضرت امام خمینی (ره) از زوایای مختلف به قلم نویسندگان نامدار و غیرنامدار نگاشته شد و این قلم‌زمن هنوز که هنوز است، ادامه دارد؛ چرا که این شخصیت ذواب‌آباد پایان نمی‌پذیرد. در ادامه شش اثر غنی و پرمحتوا را که در سال‌های اخیر منتشر شده و هرکدام از زاویه‌ای متفاوت به شخصیت بنیان‌گذار انقلاب اسلامی نگریسته‌اند، معرفی کرده‌ایم. ■



سیده نرگس نظام‌الدین

دبیر صفحه کتاب و ادبیات

روح‌الله

در ادبیات داستانی معاصر ایران، کمتر اثری را می‌توان یافت که سراغ چهره‌های برجسته و تاریخ‌ساز انقلاب اسلامی رفته باشد. آن هم در قالبی داستانی که هم با معیارهای هنری سازگار باشد و هم با مستندات تاریخی. در این میان، رمان «روح‌الله» نوشته هادی حکیمیان تجربه‌ای جسورانه و موفق در ورود به زندگی بزرگ‌ترین شخصیت تاریخ معاصر ایران، حضرت امام خمینی (ره)، به‌شمار می‌رود.

این اثر نه یک بیوگرافی صرف است و نه گزارشی خشک از حوادث تاریخی؛ بلکه کوششی برای داستان‌پردازی از زیست یک انسان است؛ انسانی با نام «روح‌الله» که بعدها «روح تاریخ» شد. رمان «روح‌الله» با تلفیق روایت‌های مستند، اسناد تاریخی، خاطرات و خلاقیت ادبی، چهره‌ای ملموس، انسانی و در عین حال الهام‌بخش از امام خمینی ارائه می‌دهد. از نقاط قوت «روح‌الله» زبان روایت آن است. هادی حکیمیان با ساقیه‌ای که در داستان‌نویسی دارد، توانسته نثری بی‌پیرایه و روان، اما در عین حال ادبی و فاخر بیافریند. زبان کتاب از سویی برای عموم خوانندگان قابل فهم است و از سوی دیگر آن قدر ظرافت دارد که خواننده جدی ادبیات را نیز راضی نگه دارد.

نویسنده با استفاده از دیالوگ‌های طبیعی، فضاسازی دقیق، و گاه طنزی پنهان، فضای داستان را از یکنواختی نجات داده است. نویسنده کتاب «روح‌الله» با تأکید بر اینکه این کتاب متمرکز بر افاق اندیشه امام خمینی (ره) نوشته شده و قرار است به سه سؤال اساسی نسل جوان و نوجوان امروز در مورد چرایی وقوع انقلاب، علت غرب‌ستیزی و همچنین دلایل ریشه و زمینه دینی داشتن انقلاب اسلامی پاسخ بدهد.

نویسنده هادی حکیمیان نشر شهرستان ادب

عبد صالح خدا

یکی از بهترین کسانی که می‌تواند از امام خمینی بگوید، ادامه‌دهنده نهضت فکری، سیاسی و عملی ایشان، یعنی آیت‌الله خامنه‌ای است. گروه پژوهشگر نشر صهبا از لابه‌لای بیانات و سخنرانی‌های مختلف رهبری، مطالب با موضوع مشترک در مورد امام خمینی را جدا و با نظم و بخش‌بندی مناسبی تدوین کرده‌اند.

در فصل اول، آشنایی اولیه آیت‌الله خامنه‌ای با امام در اواخر دهه ۲۰ بیان شده و در ادامه رفتارها و سخنان امام خمینی تا زمان پیروزی انقلاب به خوبی بیان و تحلیل شده است. در فصل دوم، مطالبی تحت عناوین چهره رهبر و زمامدار، ایستادگی در مقابل دشمنی‌ها، عطفوت، صدور انقلاب، از مردم و متکی به مردم، زاهد و عارف و نزدیک‌ترین فر به الگو، بخش‌بندی شده‌اند که در مورد دوران ده‌ساله رهبری ایشان پس از انقلاب است.

«عبد صالح خدا» تنها یک کتاب تاریخی نیست و در آن صرفاً به ذکر وقایع اکتفا نشده است. مخاطب در کنار مطالعه سیر و روند مبارزاتی امام خمینی، تحلیل مقام معظم رهبری را از امام و اطرافیان و دوستان و دشمنان ایشان فهم می‌کند. این کتاب یکی از بهترین کتاب‌ها در مورد امام خمینی برای کسانی است که قصد شروع مطالعه و تحقیق را درباره ایشان دارند.

نشر مؤسسه ایمان جهادی (صهبا)

الف لام خمینی

یکی از اشتباهات در بیان زندگی بزرگان عرصه‌های مختلف، فقط بیان دستاوردها و موفقیت‌های اوست؛ درحالی‌که اگر سیر رسیدن آن شخص به موفقیت‌هایش و سختی‌های مسیر و نحوه مواجهه او با مشکلات و مسائل در راهش، مورد توجه خواننده باشد، مخاطب بیشتر می‌تواند خودش را به او نزدیک کند. مجموع این مسائل است که یک فرد را تبدیل به الگو می‌کند.

هدایت‌الله بهبودی نیز تلاش کرده تا این اتفاق را در کتاب خود رقم زند و به روایت زندگی‌نامه امام خمینی از به دنیا آمدنش در سال ۱۲۸۱ تا پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ پرداخته است. او تلاش بسیاری کرده که در بیان این سیر ۷۶ ساله، به ابعاد مختلف زندگی امام و گاه نزدیکان اثرگذار و مرتبط با ایشان بپردازد.

در این کتاب روابط خانوادگی امام، سال‌های تحصیل ایشان، ورود به حوزه علمیه قم، ازدواجشان با بانو قدس ایران، ارتباط و گاه اختلاف نظر با علما و روحانیون بزرگ در زمان‌های مختلف، آغاز سخنرانی‌ها و اقدامات در مخالفت با شاه، زندانی شدن‌ها و تبعیدها، بیان اهداف قیام، نحوه ارتباطات و سازماندهی تشکیلاتی ایشان، توجه ویژه ایشان به مردم مخصوصاً قشر مستضعف، شجاعت خاص امام در عمل به موقع و بسیاری دیگر از موارد مرتبط با زندگی، اندیشه‌ها و حرکت امام خمینی و شرایط جامعه ایران به خوبی بیان شده است. «الف لام خمینی» را می‌توان کامل‌ترین کتاب در مورد زندگی امام خمینی دانست.

نویسنده هدایت‌الله بهبودی نشر مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی

روحی جان سلام

این کتاب مجموعه نامه‌های مردم به ویژه کودکان به امام خمینی (ره) است. این نامه‌ها حاوی نکات فوق‌العاده بااهمیت و جذاب در موضوعات متنوعی است و منبعی دست‌اول و بی‌واسطه محسوب می‌شوند که قابلیت تحقیق و گزارش‌های علمی متقنی را برای اساتید و پژوهشگران علوم انسانی (مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، مطالعات فرهنگی، روانشناسی و...) دارند. از دیگر مزیت‌های مهم این نامه‌ها، وجود قصه و روایت‌های بکر بی‌شماری است که قطعاً می‌تواند دستمایه تولید صدها اثر هنری رسانه‌ای جذاب و تازه شود.

نویسنده پژمان عرب نشر راه‌یار

موبه‌مو

کتاب «موبه‌مو» یا زیرعنوان «رهبر در آینه رهبر» ضمن ارائه روایت و تفسیر حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) از رفتار، گفتار، منش و روش امام راحل، به مقایسه مواضع، تصمیم‌ها و اقدامات معظم‌له و تطبیق آن‌ها با رفتار و گفتار حضرت امام در موارد مشابه پرداخته است.

رهبر معظم انقلاب علاوه بر اینکه در بسیاری از جلسات و سخنرانی‌های خود به مثال‌آوری از حضرت امام (ره) توجه دارند، چهاردهم خرداد هر سال نیز به صورت تخصصی، بُعدی از اندیشه و شخصیت و سیره امام راحل را تبیین نموده‌اند که در این کتاب به یک متن منسجم و وحدت‌یافته تبدیل شده است.

مؤلف این اثر، عبدالله گنجی، در هفت فصل به قرائت رهبر معظم انقلاب از حضرت امام (ره) با تطبیق اندیشه و نگرش و مواضع امامین انقلاب به مقولات مشترک پرداخته است.

نویسنده عبدالله گنجی نشر انتشارات انقلاب اسلامی

سیمرغی سیمرغی

کتاب «سیمرغی سی مرغ» حاوی بخش‌هایی است به نام‌های «ولادت»، «سیر وحدت»، «با کثرت»، «رهبر نهضت» و «امام‌امت». این کتاب که از تولد روح‌الله خمینی در خانه بزرگ آقامصطفی در خمین شروع می‌شود، تا وداع شگفت‌انگیز مردم ایران با آیت‌الله خمینی در بهشت زهرا در تهران ادامه یافته است.

خانی در نوشته کوتاهی پیرامون کتاب جدیدش این چنین گفته است: «ما گمان می‌کنیم تنها راه متقن رسیدن به حقایق زندگی یک فرد، اسناد محکمی است که درباره او به جا مانده است؛ درحالی‌که برخلاف پندار ما، سند تاریخی اصلاً معطوف به زندگی انسان‌ها تولید نمی‌شود؛ بلکه چیزی است به‌جا مانده که دیگران در رابطه با یک شخص تولید کرده‌اند. در واقع یک سند تاریخی، چیزی درباره حقیقت زندگی هیچ فردی ثبت نمی‌کند؛ بلکه تنها واقعیتی از ارتباط بین یک تا چند نفر مرتبط با شخصی خاص را به ثبت می‌رساند. اما گاهی آن‌ها که گوشه به حقیقت تاریخ دارند، به رمز یا گاهی تفصیل، شرحی داده‌اند. ما اگر به گفته‌هایشان دقت کنیم، و اسناد تاریخی را در پرتو این سخنان تفسیر کنیم، شاید کمی بتوانیم به حقیقت «زندگی» نزدیک شویم. یکی از این افراد در عصر حاضر، آقا روح‌الله بود که بعدها شد امام خمینی. بنابراین «سیمرغ سی مرغ» سعی نکرده خوانشی جدید باشد از «زندگی امام خمینی»، بلکه تلاشی بوده برای یافتن حقیقت خود زندگی، آن‌طور که حاج‌آقا روح‌الله به عموم مردم از عوام تا خواص می‌گفت، البته از لابه‌لای گزارش‌های مرتبط با وقایع زندگی ایشان.

نویسنده محمدقائم خانی نشر بین‌الملل



صفهان زیبا

شماره ۵۱۱

۱۳ / ۰۳ / ۱۴۰۴

سه‌شنبه

وبراستار و دبیر صفحه

سیده نرگس نظام‌الدین



ماجرای عاقبت به خیری سه پارچه هفت متری



سیده نرگس نظام الدین

خبرنگار

۴۵ سال از روزی که سه طلبه مدرسه صدر خواجو شال و کلاه کردند به سمت قم، می‌گذرد: راوی، آسند علی هاشمی کله‌ای (بدون تشدید بخوانید) از کله مسیح که امروز به رحمت خدا رفته است و محمد باقر کرمانی؛ سه طلبه‌ای که هر کدام توشه‌ای ویژه به همراه داشتند: دو پارچه مشکی و یک پارچه سفید؛ هر کدام هفت متر. در کنارش، نفری یک دست لباس رسمی طلبگی توی ساک گذاشتند و راهی خیابان مسجد سید شدند. گاراژ را پیدا کردند و نشستند توی اتوبوس‌های شمس‌العماره. صبح بود. تا اتوبوس لک و لک کند و پیچ و خم جاده قدیم را گز کند، ظهر رسیدند قم. در خاطر راوی نمانده که نماز را کجا خواندند یا ناهار را کجا خوردند. در ذهنش اصل ماجرا

ثبت شده. نویسنده اینجا می‌تواند تخیل را وارد ماجرا کند و سه طلبه را بفرستد حرم خواهر امام رضا برای نماز ظهر و عصر و ناهار را توی کبابی مشهور نزدیک حرم مه‌نشان کند. خواننده هم می‌تواند این‌ها را تخیل کند. به جز این‌ها راوی از یاد برده که عبا و قبای طلبگی را کجا تن کرده‌اند و سر باز راهی نشانی مقصد شده‌اند. نویسنده این قسمت را هم گوشه‌ای از حرم تصور می‌کند. بعد از اینها، سه طلبه خود را رساندند به خیابان ساحلی و سراغ خانه شیخ محمد زیدی را گرفتند. خانه‌ای که مدتی میزبان شخص اول انقلاب بود. همان خانه‌ای که آقا روح‌الله به پشت بامش می‌رفت و سیل جمعیت توی کوچه سر به هوا می‌شدند تا چهره ماهش را ببینند و او نیز دقایقی برایشان دستی تکان دهد و شاید کلامی جاری و دلشان را آرام کند و برگردد داخل. خانه‌ای که برای مدتی کوتاه محل زندگی و

مراجعاتش بود. سه طلبه جوان خانه را پیدا کردند و از اهالی سراغ آقا روح‌الله را گرفتند. این جواب را شنیدند که ایشان در خانه حضور ندارد و به مدرسه فیضیه رفته. آن سه نفر هم رفتند چرخ در شهر زدند و بعد از اینکه مطمئن شدند برنامه مدرسه تمام شده، باز راه خانه خیابان ساحلی را گرفتند و بعد هم سراغ آقا روح‌الله را. این بار جواب شنیدند که ایشان به این خانه بازنگشته و می‌توانید او را در منزل آقای اشراقی، دامادش، پیدا کنید. نشانی را هم دادند: خیابان دور شهر، روبه‌روی خانه‌ای در یکی از محله‌های قم که بعدا شد دفتر حج و زیارت، به دست نفر اول انقلاب

راوی می‌گوید آقا روح‌الله تنها دو کلمه به او گفت که آن دو کلمه راهم سه بار تکرار کرد: تقوا، درس، تقوا، درس. بعد هم آن راهروی نورگرفته را ترک کرد. راوی این ماجرا، بایای نویسنده است.

به نوبت دو پارچه مشکی و یک پارچه سفید هفت متری را که قبل تر از آن جایی با کمک هم پیچیده و آماده کرده بودند، تقدیم آقا روح‌الله کردند و او نیز یکی یکی روی سرشان گذاشت؛ روی پاپ، بدون هیچ مراسم، بدون هیچ عکس و نقلی، و در بازه احتمالی پنج دقیقه‌ای. رسم دنیای طلبه‌ها این است که یکی از علما و بزرگان زمانه عمامه سرشان بگذارد و عبا روی دوششان بیندازند و از آن لحظه به بعد رسماً طلبه شوند؛ اما آن زمان هنوز رسم نشده نبود. طلبه‌ها به دست مبارک آقا روح‌الله معمم شوند. آن سه مرد یک روز گرم تابستانی توی راهروی خانه‌ای در یکی از محله‌های قم که بعدا شد دفتر حج و زیارت، به دست نفر اول انقلاب

قیام ۱۵ خرداد: جرقه‌ای که فراموش شد



محمد حسین امینی هرندی

فعال رسانه

۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲، تعدادی از شهرهای ایران شاهد قیامی خودجوش از دانشجویان، طلاب و عموم مردم بود. این حرکت، واکنشی به دستگیری امام خمینی (ره) بود که یک روز قبل از آن به دلیل انتقاد از لایحهٔ انجمن‌های ایالتی و ولایتی و انقلاب سفید صورت گرفت. با وجود سرکوب نظامی و تمام خون‌ریزی‌ها، این جنبش از بین نرفت و آغازی شد بر پایان ۲۵۰۰ سال شاهنشاهی در ایران. نکته‌ای که ۱۵ خرداد را به رویدادی متمایز تبدیل می‌کند، خودجوش بودن قیام است. این قیام از بالا سازماندهی نشده بود، نه از سوی امام خمینی (که در زمان وقوع آن در زندان بود) و نه از سوی هیچ شخصیت سیاسی دیگری. این مردم بودند که خود به میدان آمدند و با وجود نگرانی‌ها، مقابل توپ و تفنگ ایستادند. این روز، اولین لرزه‌های زمین خوردن یک رژیم بی ثبات بود. این قیام نشان داد که مردم قادر به مقاومت هستند؛ نه فقط در قالب احزاب و سازمان‌های سیاسی، بلکه به صورت فردی و خودجوش. این ظهور قدرت مردم، مسیر فعالیت امام راهوار کرد و شعله‌هایی را برافروخت که به مرور و طی ۱۵ سال دومان پهلوی را برپا داد. قیام ۱۵ خرداد با تمام اهمیت تاریخی‌اش، حالا تنها به یک مناسبت تقویمی تبدیل شده که نسل چهارم و پنجم بعد از انقلاب نسبتی با آن برقرار نمی‌کند و اساساً از اصل آن اطلاعی ندارد؛ چه برسد به دانستن جزئیات و ریشه‌های آن. این روز تنها یک یادبود تاریخی نیست، بلکه درسی زنده برای امروز و فردا است. قدرت مردم آنجا که بدون تأثیرپذیری از بیگانه به میدان باید، حتی اگر در کوتاه مدت با سرکوب مواجه شود، در نهایت آینده این کشور را تغییر می‌دهد. با این وجود، یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که امروز و در بین نسل جوان با آن مواجه هستیم، فراموشی تاریخی است؛ مسئله‌ای که فضا را برای طرفداران سلطنت فراهم کرده تا با سفیدشویی از جنایت‌های صورت‌گرفته در آن دوران، با کمک ترفندهای رسانه‌ای نسل جدید را با تصویرسازی از یک شاه‌فاسانه‌ای فریب دهند. این روزها، اگرچه برهه زمانی پیش از انقلاب بستر ساخت فیلم و سریال‌های بسیاری است، اما کمترین پرداخت به موضوعاتی همچون قیام مردم در ۱۵ خرداد را شاهد هستیم. از جمله مهم‌ترین ابزارهای امروز برای بازخوانی تاریخ و زنده نگه داشتن یاد آن حرکت‌های مردمی، همین قالب فیلم و سریال است و شاید در اولویت‌های بعدی، کتاب و شعر و سایر قالب‌های هنری. در پایان، یادآوری این نکته ضروری است: اگر ۱۵ خرداد نبود، شاید ۲۲ بهمن هم وجود نداشت. پس نیاز داریم حداقل بخشی از مراسم‌ها و یادبودهای ۲۲ بهمن در ۱۵ خرداد نیز برنامه‌ریزی شود.

مناقصه عمومی یک مرحله ای

فراخوان مناقصه تامین ۳۰ عدد برد موتور اسکاتیا شهری

شرکت اتوبوسرانی اصفهان در نظر دارد فراخوان مناقصه تامین ۳۰ عدد برد اسکاتیا شهری به شماره ۰۹۰۰۰۰۰۶۰۴۰۴۱۰۰۴۱۰۰۴ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.

کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.

متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر مواعد زمانی:

- تاریخ انتشار فراخوان: ۱۳/۰۳/۱۴۰۴ ساعت ۰۸:۰۵

- مهلت دریافت اسناد فراخوان: ۲۱/۰۳/۱۴۰۴ ساعت ۰۵:۱۳

- مهلت ارسال پیشنهادات: ۰۳/۰۴/۱۴۰۴ ساعت ۰۵:۱۳

- زمان بازگشایی پاکت‌ها: ۰۴/۰۴/۱۴۰۴ ساعت ۰۵:۰۸

اطلاعات تماس و آدرس دستگاه: اصفهان - خیابان کاوه - جنب ترمینال بایلدشت - کوچه شهید مقار زاده ۳۸۱۸۸ تلفن ثابت داخلی ۱۵۵

مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی (یکپارچه) فراخوان یک مرحله ای

شهرداری اصفهان در نظر دارد فراخوان مناقصه مهندسی، ساخت، حمل، نصب و راه اندازی تصفیه خانه سلامت واقع در منطقه ۱۰ شهرداری اصفهان به همراه ایجاد زیر ساخت های لازم و بهره برداری یک ساله به ظرفیت ۱۷۲۸ متر مکعب در شبانه روز به روش IFAS را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.

(شماره فراخوان ۰۳۱-۳۲۲۵۰۰۰۰۴۷ و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۲۷ ریال)

کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.

متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند مواعد زمانی:

- تاریخ انتشار فراخوان: ۱۳/۰۳/۱۴۰۴ ساعت ۰۵:۱۷

- مهلت ارسال پیشنهادات: ۰۳/۰۴/۱۴۰۴ ساعت ۰۵:۱۷

• نوع و مبلغ تضمین در شرایط شرکت در مناقصه تعیین گردیده است.

• آدرس دستگاه: اصفهان - خیابان آیت... شمس آبادی - کوچه شماره ۲۳، معاونت خدمات شهری شهرداری اصفهان

• اطلاعات تماس: ۰۳۱۳۲۲۴۱۸۵-۰۳۱۳۲۲۴۱۸۶-۰۳۱۳۲۲۴۱۸۷-۰۳۱۳۲۲۴۱۸۵

آگهی مزایده

سازمان پایانه‌های مسافربری شهرداری اصفهان در نظر دارد تعدادی از غرفه‌های واقع در پایانه‌های مسافربری اصفهان را با شرح و جزئیات مندرج در اسناد مزایده و با بهره‌گیری از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) (www.setadiran.ir) به شماره ۰۱۰۵۶۹۰۵۴۱۰۰۵۴۱۰۰۵۴ که در سامانه ستاد ثبت و منتشر شده است را واگذار نماید.

مواعد زمانی:

انتشار فراخوان: ۱۳/۰۳/۱۴۰۴

مهلت دریافت اسناد: ۲۷/۰۳/۱۴۰۴

مهلت ارسال پیشنهاد: ۰۷/۰۴/۱۴۰۴

تاریخ بازگشایی پیشنهادها: ۰۸/۰۴/۱۴۰۴

- برگزاری مزایده صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) می‌باشد و کلیه مراحل فرآیند مزایده شامل دریافت اسناد مزایده، شرایط و نحوه واگذاری غرفه‌ها، ارسال پیشنهاد قیمت، بازگشایی پاکت‌ها، اعلام به برنده و اطلاع از وضعیت برنده بودن پیشنهاد دهندگان محترم از این طریق امکان پذیر می‌باشد.

- در صورتی که نقرات اول و دوم شرکت کننده (برندگان مزایده) از انجام معامله خودداری نمایند، سپرده شرکت در مزایده آنان به ترتیب به نفع سازمان ضبط خواهد شد.

- سازمان در رد یک یا تمام پیشنهادها مختار و صاحب نظر نهایی است.

- متقاضیان شرکت در مزایده می‌بایست جهت ثبت نام و دریافت گواهی الکترونیکی (توکن) با شماره ۱۴۵۶ (مرکز پشتیبانی و پاسخگویی سامانه تدارکات الکترونیکی دولت) تماس حاصل نمایند.

- آدرس سازمان: اصفهان خیابان کاوه خیابان شهید عادلپور بعد از چهارراه عارف پلاک ۶۴ تلفن ۰۳۱-۳۴۳۹۹۹۸

سازمان پایانه های مسافربری شهرداری اصفهان

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه صاحبان سهام

شرکت نمایشگاه‌های بین‌المللی استان اصفهان (سهامی خاص) شماره ثبت ۹۹۲۲ شناسه ملی ۰۳۱۰۰۰۴۰۲۶۰

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت نمایشگاه‌های بین‌المللی استان اصفهان (سهامی خاص) دعوت به عمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه صاحبان سهام این شرکت که در روز یکشنبه مورخ ۲۵ خردادماه ۱۴۰۴ راس ساعت ۱۵ در محل برگزاری نمایشگاه واقع در روشن دشت، کمربندی شرق، اتوبان استاد پروورش، جنب یادگان شهید بهشتی تشکیل خواهد شد حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:

- ۱- استماع گزارش هیئت مدیره شرکت مربوط به عملکرد سال مالی منتهی به ۱۳/۰۳/۱۴۰۴
- ۲- استماع گزارش حسابرس و بازرس قانونی شرکت درباره صورتهای مالی منتهی به ۱۳/۰۳/۱۴۰۴
- ۳- تصویب صورتهای مالی عملکرد سال مالی منتهی به ۱۳/۰۳/۱۴۰۴
- ۴- انتخاب حسابرس و بازرس قانونی شرکت و تعیین حق الزحمه مربوطه برای سال مالی ۱۴۰۴
- ۵- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت.
- ۶- تعیین حق حضور در جلسات اعضا هیئت مدیره شرکت برای سال ۱۴۰۴
- ۷- تعیین پاداش اعضای هیات مدیره شرکت برای سال ۱۴۰۳
- ۸- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع باشد.

خواهشمند است راس ساعت مقرر حضور بهم رسانید.

هیئت مدیره شرکت

گروه رسانه‌ای اصفهان زیبا

@esfzibanews

همراهتان هستیم